

## بررسی تطبیقی روش‌شناسی فقه سیاسی شیعه و اهل سنت

مرتضی یعقوبی خلیل آباد، محمدحسی بیرجندی ربانی، علیاکبر

نوایی شورورزی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

نشان می‌دهند فقه سیاسی شیعه، مبتنی بر امامت، با ویژگی‌های حجت‌محوری، زمان‌مندی، تفکر جهادی و عدم سازش با مستکبرین، به مسائل نامتناهی جامعه پاسخ می‌دهد. در مقابل، فقه سیاسی اهل سنت بر مبنای خلافت و با اعتقاد به محدودیت و پایان پذیری احکام در برابر مسائل بی‌پایان جامعه، ضمن محرومیت خود از سلسله امامت، اجتهاد براساس سلیقه و نظر شخصی را به عنوان جایگزین نص پذیرفته با استفاده از قیاس، استحسان و رأی شخصی، گاه موجب انسداد اجتهاد از منابع معتبر، ناهماهنگی در فهم تکالیف سیاسی و سازش با مستکبرین و ظالمین می‌شود. این پژوهش با روشن‌سازی مبانی روش‌شناختی، به تسهیل استنباط در مسائل نوین و تدوین چارچوب‌های سیاسی و حکومتی بر پایه اصول امامت کمک کرده و نقشه راهی برای مطالعات تطبیقی فراهم می‌آورد.

**کلید واژه ها:** تطبیق، روش‌شناسی، فقه سیاسی، شیعه، اهل سنت.

### چکیده:

روش‌شناسی زیربنای اصلی درک علم، تولید نظریه و حل مسائل ملی و بین‌المللی است. در فضای معرفتی اسلام، مکاتب شیعه و اهل سنت، با رویکردهای توحیدی، ظرفیت‌های قابل توجهی در بسط فقه سیاسی و ارائه راهکارهای سیاسی دارند، اما مطالعه تطبیقی نظام‌مند بر روش‌شناسی فقه سیاسی آن‌ها کمتر صورت گرفته است. این پژوهش کاربردی، با ماهیت توصیفی و رویکرد تطبیقی، به روش کتابخانه‌ای، با هدف تطبیق و مقایسه روش‌ها، به این پرسش پاسخ می‌دهد که: «روش‌های تبیین و استنباط فقه سیاسی شیعه در مقایسه با اهل سنت چگونه تحلیل می‌شوند؟». با استخراج و تحلیل مؤلفه‌ها، ابزار استنباط و روش به کار رفته، نتایج

۱- طلبه مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، نویسنده مسئول: emamtraveshshenasi@gmail.com

۲- طلبه مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان.

۳- طلبه مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان.

# A Comparative Study of the Methodology of Shia and Sunni Political Jurisprudence

## Abstract

Methodology is the main foundation of science, production, and solving national and international problems. In the epistemological space of Islam, Shiite and Sunni schools, with monotheistic approaches, have significant capacities in developing political jurisprudence and providing political solutions, but systematic comparative studies on the methodology of their political jurisprudence have been less frequent. This applied research, with a descriptive nature and a comparative approach, using a library method, with the aim of comparing and matching methods, answers the question of how the methods of explanation and inference of Shiite political jurisprudence are analyzed in comparison to Sunni ones? By extracting and analyzing the components, inference tools, and methods used, the results show that Shiite political jurisprudence based on the Imamate, with its evidence-based characteristics, timing, jihadi thinking, and non-compromise with the arrogant, is the answer to society's endless problems. In contrast, Sunni political jurisprudence, based on the caliphate and believing in the limitation and finality of rulings in the face of the endless problems of society, while depriving itself of the Imamate, accepts ijthihad based on personal taste and opinion as a substitute for the accepted text, using analogy, istihsan, and personal opinion, sometimes leading to the blockage of ijthihad from reliable sources, inconsistency in understanding political tasks, and compromise with the arrogant and oppressive. By clarifying methodological foundations, this research helps facilitate inferences on new issues and the formulation of political and governmental frameworks based on the principles of Imamate, and provides a roadmap for comparative studies.

**Keywords:** comparison, methodology, political jurisprudence, Shia, Sunni:

## مقدمه

یکی از ضروریات انکارناپذیر هر علم، «روش‌شناسی»<sup>۱</sup> یا «علم‌المنهج» است که زیربنای فهم نظریه‌ها و منطق عملی تحقیق را شکل می‌دهد. فقه سیاسی، به‌مثابه روح کلی فقه اسلامی، چارچوب نظری و عملی حاکم بر ساختار حکومت، مفهوم ولایت، حقوق متقابل حاکم و محکوم و مناسبات قدرت در جوامع مسلمان را تبیین می‌کند. از منظر علم اصول، روش‌شناسی فقه سیاسی مبنای استخراج احکام و قواعد مربوط به سیره حکومتی و روابط دولت - امت است. در گستره امت اسلامی، دو مکتب اصلی شیعه و اهل سنت، هر یک بر پایه اصول فقهی و آموزه‌های خاص کلامی و تاریخی خود، نظام روش‌شناختی نسبتاً مستقلی برای فقه سیاسی ترسیم کرده‌اند.

اگرچه مطالعات متعددی تاکنون به بررسی و تحلیل فقه سیاسی در هر یک از این دو مکتب همت گماشته‌اند، لیکن فقدان یک تحقیق تطبیقی جامع و مانع در حوزه روش‌شناسی فقه سیاسی، به‌مثابه خلأیی محسوس در این عرصه خودنمایی می‌کند. بازخوانی دقیق و نقادانه منطق درونی استنباط‌ها، شناسایی نقاط قوت و ضعف ابزارهای روش‌شناختی، و مقایسه نظام‌مند این دو مکتب فکری در حوزه فقه سیاسی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که نیازمند تلاش‌های پژوهشی گسترده‌تری است. از این رو، جای بررسی انتقادی و تطبیقی روش‌شناسی فقه سیاسی هم‌چنان خالی است و پرداختن به این مهم، باهدف ارتقای سطح دانش و بینش در این حوزه، ضرورتی دوچندان دارد. این پژوهش تلاش می‌کند تا با گامی استوار در این مسیر، به غنای مطالعات فقه سیاسی بیفزاید.

اهمیت پرداختن به روش‌شناسی فقه سیاسی به خصوص در عصر حاضر به جهت گستردگی جوامع و بروز مسائل نوپدید دوچندان می‌شود. همان‌طور که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اجتهاد مصطلح [یعنی صرفاً فردی] برای اداره جامعه کافی نیست» (امام خمینی، ۱۴۰۸ ق: ج ۲۱: ۲۹۲) و نیز آیت الله خامنه

ای می‌فرماید: «تمام زندگی انسان از قبل ولادت تا بعد از ممات، احوال فردی و زندگی شخصی، احوال اجتماعی و نیز زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دیگر شئون او در فقه مشخص است» (۱۳۷۲/۶/۲۱) بنابراین مسلمان به حکم مسلمان بودنش باید تمامی رفتارهای خود، از جمله رفتارهای اجتماعی اش را با قوانین اسلامی هماهنگ کند. (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۳۲) این نگاه، فقه را از تکالیف و آداب فردی فراتر برده و به سمت تکالیف و آداب اجتماعی و سیاسی سوق می‌دهد و به فقه سیاسی امکان می‌دهد که علاوه بر حل مسائل اجتماعی، به سمت تولید نظریات سیاسی حرکت کند. به عنوان نمونه، استعمال تنباکو در فقه عمومی به خودی خود حرمی نداشت، ولی وقتی میرزای شیرازی با رویکرد اجتماعی و سیاسی به آن نظر افکند و ملاحظات حکومتی و منافع امت را در نظر گرفت، حکم به تحریم استعمال تنباکو داد. همچنین فتوای برخی از علماء اصفهان مانند آقا نجفی اصفهانی نسبت به وجوب استفاده از البسه تولید داخلی، مبتنی بر استنباط فقیهانه ایشان با رویکرد اجتماعی و سیاسی بود (نجفی، ۱۳۹۶: ۲۷۲-۲۴۷). همچنین حکم آیت الله خامنه‌ای مبنی بر انهدام کالای قاچاق سازمان یافته (۱۳۹۵/۶/۳)، آتش زدن اقلام قاچاق (۱۳۹۵/۵/۱۱)، محاکمه عاملان قاچاق (۱۳۸۱/۲/۳۱)، بر همین مبنا است. این مثال‌ها نشان می‌دهد که چگونه در نظر گرفتن ابعاد سیاسی و اجتماعی، که بخشی از روش‌شناسی فقه سیاسی است، منجر به احکام و نظریات متفاوتی می‌شود و ضرورت بررسی روش‌های استنباط در این حوزه را برجسته می‌سازد.

ضرورت پژوهش‌های تطبیقی در روش‌شناسی فقه سیاسی ناشی از چند ضرورت بنیادین است:

- روشن ساختن نقاط اشتراک و افتراق در مبانی معرفت‌شناختی و اصول استنباطی دو مکتب، که می‌تواند زمینه گفتگوی میان‌مکتبی را تقویت کند؛
- ارائه مدلی نظام‌مند برای تعامل و هم‌افزایی علمی و عملی در حوزه سیاست شرعی؛

## 1. methodology

روش‌های مستفاد در حوزه فقه سیاسی کدام گروه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این شناخت دقیق، اساس پژوهشی مستند در این حوزه است.

**روش:** در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است. (کاظمی، ۱۳۷۴: ۲۸-۲۹) همچنین روش ممکن است به: «مجموعه راه‌هایی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند، و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند» اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۴).

**روش شناسی:** روش‌شناسی غیر از روش است. روش مسیری است که دانشمند در سلوک علمی خود طی می‌کند، و روش‌شناسی دانش دیگری است که به شناخت آن مسیر می‌پردازد. «روش شناسی به معنای شناخت ابزار، فنون و طرق تحصیل معرفت در یک حوزه معین، بررسی پایه‌های نظری مکتب معین فلسفی؛ یعنی بررسی پیش‌فرضها، زیرساختها و مفاهیم اساسی آن مکتب. به دیگر سخن، منطق فهم مکتب را می‌توان معادل این کاربرد دانست» (نویسندگان، ۱۳۸۲، شماره ۲: مقاله ۴).

### ← شیعه:

«شیعه» از ریشه «شیع» در لغت به معنای: فرقه، حزب و گروه، پیروان، یاران، هواداران، امت، دوستان، همراهان، همکاران، تقویت‌کنندگان و اشاعه‌کنندگان آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۹۱-۱۹۰؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۲۴۱-۱۲۴۰؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۵۸-۲۵۶؛ فیومی، ۱۴۲۸ق: ۱۷۱؛ راغب، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۷۰) اما در اصطلاح تعاریف متعددی برای آن آمده از جمله: کسی که جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حق اختصاصی خانواده رسالت می‌داند و در معارف اسلام پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام است (طباطبایی، ۱۳۵۴: ۲۶-۲۵) با توجه به اینکه شیعه به فرق مختلفی مبدل شد و دو معنای عام و خاص به خود گرفت، مراد ما در این پژوهش معنای خاصی است که در تعریف شیخ مفید آمده است. ایشان

• پرهیز از برخوردهای صرفاً ایدئولوژیک یا تاریخی و حرکت به سمت نقد روشمند و مستدل آموزه‌های فقه سیاسی.

این تحقیق با هدف بررسی تطبیقی روش‌شناسی فقه سیاسی شیعه و اهل سنت انجام می‌شود تا با تحلیل مبانی نظری، قواعد اصول فقهی و سازوکارهای استنباطی هر دو مکتب، به تبیین چارچوب مشترک - یا دست‌کم قابل‌گفتمان - برای استخراج احکام سیاسی اسلامی بپردازد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که «روش‌های تبیین و استنباط فقه سیاسی در شیعه در مقایسه با اهل سنت چگونه تحلیل و تطبیق می‌شوند؟» همچنین، این پژوهش در پی پاسخگویی به سوالات زیر نیز می‌باشد: پیامدهای این روش‌ها چیست؟ منابع استنباط فقه سیاسی کدام‌اند و چه تفاوتی با منابع فقه عمومی دارند؟ و آیا اجتهاد عمومی برای پاسخگویی به وقایع سیاسی جامعه کافی است؟

روش این پژوهش توصیفی - تطبیقی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است و ساختار کلی مقاله به این شرح است:

(بخش اول: مفهوم‌شناسی، مبانی و اصول کلی روش، بخش دوم: مقایسه و تحلیل تطبیقی روش‌های فقه سیاسی شیعه و اهل سنت، بخش سوم: نتایج و پیامدهای روش‌ها، بخش چهارم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهشی).

با این رویکرد، امید است این مطالعه بتواند نقشی در ارتقای سطح علمی بحث‌های فقه سیاسی ایفا کرده و افق‌های نوینی برای تعامل سازنده میان شیعه و اهل سنت در حوزه سیاست شرعی گشاید.

### تعریف مفاهیم

تحلیل و تطبیق روش‌شناسی فقه سیاسی در دو مکتب شیعه و اهل سنت، مستلزم درک صحیح از مفاهیم بنیادین «روش» و «روش‌شناسی» و شناسایی دقیق تمایزات مفهومی و کاربردی آن‌هاست. همچنین با واکاوی در تعاریف، مصادیق و طیف‌های گوناگون فکری در هر یک از این مذاهب، باید مشخص گردد که

ارتباط فرد و حکومت یا حاکم و محکوم یا ریاست و رعیت یا حکومت و مردم است و «قانون اساسی» و «قوانین مالی و اداری و بین المللی» را بیان می کند فقه سیاسی یا سیاست شرعی است (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۵).

تمایز روش شناسی فقه عمومی و فقه سیاسی فقه سیاسی، همانند فقه عمومی نیازمند روش شناسی دقیق است. اگرچه فقه عمومی و فقه سیاسی در روش هایی مانند «نص محوری» و «عقل محوری» شباهت هایی دارند، اما این دو روش در فقه سیاسی، اگر چه شرط لازم است، اما شرط کافی نیست و فقه سیاسی به روش های خاص و فراتر از اجتهاد عمومی نیازمند است. یعنی به اجتهاد عمومی به علاوه ی گزاره هایی از سیاست که ما را به حل مسائل جامعه در فقه سیاسی رهنمون می سازد. امام خمینی (ره) تأکید داشتند «اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست» (امام خمینی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۱: ۲۹۲). این بدین معناست که فقه سیاسی علاوه بر امور فردی باید قادر به حل مسائل اجتماعی و تولید نظریات سیاسی نیز باشد. مثلاً فتوای اجتماعی تحریم تنباکو یا حکم به وجوب استفاده از البسه داخلی نشان دهنده این رویکرد وسیع تر و جامع تر در فقه سیاسی است (نجفی، ۱۳۹۶: ۲۷۲-۲۴۷).

معتقد است شیعه امامیه کسی است که: ۱. به وجوب امامت و وجود آن در هر زمانی باور دارد ۲. نص جلی بر امام و عصمت و کمال را برای او واجب بداند. ۳. به تداوم و انحصار امامت در فرزندان امام حسین علیه السلام معتقد و سلسله امامت را به امام رضا علیه السلام پیوند زند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۸).

### ← اهل سنت:

«سنت» در لغت به معنای طریقه و روش چه نیکو باشد و چه زشت. هنگامی که به صورت مطلق «سنه من الله» گفته می شود مراد حکم و امر و نهی ای است در قرآن کریم به آن تصریح نشده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متذکر آن می شوند. «سنه الله» نیز به روش حکیمانه و طریقه اطاعت از او اشاره دارد. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸: ۳۰۰) آنجا که می فرماید: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳) در اصطلاح «اهل سنت» یعنی کسانی که بر آثار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و روش ایشان باقی مانده اند و به آن اقتدا کرده اند (احمد بن حنبل، ۱۴۱۱ق: ۱۴).

### ← فقه سیاسی:

فقه سیاسی اگر چه سابقه دیرینه ای دارد اما با عناوین فقه الخلافه، فقه الحکومه، احکام السلطانیه، السیاسه الشرعیه و... شناخته می شد. عنوان «فقه سیاسی» واژه ای نوپدید است و تعاریف این اصطلاح نتیجه نوآوری های صاحب نظران جدید است. حضرت آیه الله خامنه ای می فرمایند: «فقه سیاسی در شیعه، سابقه اش از اول تدوین فقه است. یعنی حتی قبل از آنکه فقه استدلالی در قرن سوم و چهارم تدوین بشود - در عهد روایات - فقه سیاسی در مجموعه ی فقه شیعه حضور روشن و واضحی دارد» (آیه الله خامنه ای: ۱۳۹۰/۶/۱۷). بنابراین، فقه سیاسی «مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی برخاسته از مبانی اسلامی است که عهده دار تنظیم روابط مسلمین با یکدیگر و ملت های غیرمسلمان بر اساس مبانی قسط و عدل است» (شریعتمدار جزائری، ۱۳۷۸: ۱۷۰).

قرضاوی معتقد است فقه اسلامی که شامل چگونگی

سیاسی با نظم سیاسی جدید و تأثیر تأسیس جمهوری اسلامی ایران بر فقه سیاسی و بررسی نظام سازی در فقه سیاسی می پردازد. ۴. ایزدهی (۱۳۹۲) در کتاب نقد نگرش های حداقلی در فقه سیاسی با توجه به مبانی فقه شیعه و آموزه های آن، ضمن اثبات گستره فراگیر فقه شیعه در سه بعد «جاودانگی»، «فرامکانی» و «تعمیم به همه شئون زندگی بشری»، دیدگاه ها و نگرش های متفاوت در فقه سیاسی را بررسی می کند. ۵. سید باقری (۱۳۸۸) در کتاب فقه سیاسی شیعه (سازوکارهای تحول در دوران معاصر) که به «چارچوب نظری و روش»، «معیارهای ثابت در فقه سیاسی شیعه»، «زمینه ها و ساحت های فکری-اجتماعی و ساز و کارها و ساحت های بایسته تحول در فقه سیاسی شیعه» پرداخته است. ۶. لک زائی (۱۳۸۲) در مقاله روش شناسی فقه سیاسی شیعه و میراحمدی (۱۳۸۲) در مقاله روش شناسی فقه سیاسی اهل سنت با روش های فقه سیاسی و مبانی معرفت شناختی به صورت درون مذهبی اشاره دارند و کمتر به مطالعه تطبیقی پرداخته اند. ۷. نوایی (۱۳۷۹) در کتاب فقه و اجتهاد حکومتی با تبیین و تعریف و اثبات ظرفیت فقه حکومتی و اجتهاد حکومتی پرداخته است.

پژوهش حاضر ضمن اذعان به مشابهت های ماهوی با مطالعات پیشین در زمینه معرفی منابع و روش های استنباط فقه سیاسی، به ویژه در حوزه معرفی منابع اجتهاد و بیان چالش های درون مذهبی در میان شیعه و اهل سنت، بر نوآوری و تمایزات بنیادین خود تأکید می ورزد. نوآوری اصلی این تحقیق در تمرکز بر تحلیل تطبیقی روش های استنباط فقه سیاسی از منابع در هر دو مذهب، بررسی و ارزیابی نتایج و پیامدهای کاربرد این روش ها، تعیین اعتبار و وزن نسبی آن ها، و در نهایت، شناسایی و ارائه نمایی روشن از نقاط اشتراک و افتراق در رویکردهای روش شناختی فقهای شیعه و اهل سنت نهفته است. این رویکرد جامع، درک عمیق تری از گستره و پیچیدگی های فقه سیاسی در جهان اسلام ارائه می دهد.

روش شناسی در نگرش شیعی و اهل سنت  
فقه سیاسی شیعه بر چند اصل کلیدی استوار است که هر یک در شکل گیری روش فقه سیاسی نقشی حیاتی دارند: توحید سیاسی ناب (نفی هر مرجعی جز حاکمیت مطلق الهی)، عدالت محوری، فطرت گرایی (تطابق با فطرت انسانی)، عقل گرایی و نقل گرایی توأمان، جهان شمولی (سازگاری با نژادها، نسل ها و مکان های مختلف)، همزیستی مسالمت آمیز و امامت گرایی (سوادی، ۱۳۹۹: ۲۴۶-۲۴۲). از آن جمله است. در مقابل، فقه سیاسی اهل سنت با این موارد همراه است: اعتبار بخشی افراطی به نقل یا عقل، نارسایی در پاسخ به نیازهای فطری بشری، امنیت محوری، مصلحت سنجی (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۲). این اصول، تفاوت های بنیادین میان شیوه های استنباط در دو نگرش عمده اسلامی را نمایان می سازند.

## پیشینه پژوهش

در راستای دستیابی به روش فقه سیاسی، اساتید و پژوهشگران مسئولیتی خطیر بر عهده خویش احساس کرده و بر اساس نظریه های توحیدی اسلام، در حد توان به بیان روش های اندیشه سیاسی اسلام پرداخته اند، اما برای پاسخگویی تمام نیازهای امروزی کافی نیست. از جمله پژوهش هایی که تاکنون در این زمینه تدوین شده است می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. سوادی (۱۳۹۹) در کتاب نظریه پردازی و روش شناسی در اندیشه سیاسی اسلام با مباحث پیش نیازهای معرفتی، پیش فرض ها، مبانی، مختصات و بایسته های نظریه پردازی و روش شناسی می پردازد.
۲. قرضاوی (۱۳۹۴) در کتاب فقه سیاسی درباره جایگاه و ویژگی های حکومت های اسلامی، مشارکت اجتماعی در حکومت و خاستگاه دولت و سیاست از منظر اهل سنت سخن می گوید. ۳. اکبری (۱۳۹۲) در کتاب فقه سیاسی و جمهوری اسلامی ایران با تأثیرات فقه سیاسی بر جمهوری اسلامی ایران و در هم تنیدگی فقه

## روش اجرای پژوهش

برای به ثمر رسیدن این تحقیق، از روش کتابخانه‌ای که یکی از عمده‌ترین روش‌های تحقیق در زمینه علوم اسلامی می‌باشد، استفاده شده است. ابتدا کلید واژه‌های مرتبط با مسئله و جستجوی آنها در کتب تاریخی و فقهی - از طریق نرم افزارهای موجود در این زمینه و همچنین مراجعه حضوری به کتابخانه‌ها و همچنین ارتباط پژوهشی با پایگاه‌های کتابخانه‌های اینترنتی - عناوین و سرفصل‌هایی که مطالب مرتبط با فقه سیاسی و روش شناسی در آنها مطرح شده، شناسایی گردید و در ادامه با مطالعه‌ی آنها، مطالبی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با بحث روش فقه سیاسی، اقوال و احکام مربوط به آنها، ارتباط داشته، استخراج شد و در نهایت با بررسی مباحث مذکور به جمع بندی و تطبیق بین روش‌های فقه سیاسی شیعه و اهل سنت پرداخته شد.

### تجزیه و تحلیل

روش‌های فقه سیاسی شیعه و اهل سنت

### ۱. مقیاس نقل

#### الف) در منظر شیعه

در معرفی مقیاس نقل به عنوان روش استخراج فقه سیاسی، مراد ادله‌ای است که می‌توان احکام سیاسی را از آن استخراج کرد.

#### ۱. کتاب

در عصر حضور معصوم استناد به قرآن کریم بسیار اتفاق می‌افتاد و راهی برای کشف و استنباط احکام شرعی بود. اما در عصر غیبت محل بحث و نظر بود:

- نظریه اصولیون: «جواز استنباط» از قرآن و «صحت استناد» به آن در بین اکثر قریب به اتفاق فقیهان شیعه امری مسلم و قطعی و دارای قدمتی دیرینه است. کتاب «آیات الاحکام» اثر «ابونصر، محمد بن السائب بن بشر کلی» (۱۴۶ق) از اصحاب صادقین علیهما السلام

و نخستین کتاب آیات الاحکام و سایر آثار در زمینه «فقه القرآن» گواه این موضوع است (صرامی، ۱۳۷۸: ۱۱۶-۱۰۹). علاوه بر این، بسیاری از آیات تبیین کننده حیات اجتماعی و در حقیقت معرف و مبین فقه سیاسی اسلام هستند. مانند: آیات احکام تکلیفی برای افراد جامعه، و جوب جهاد (۱۱۶: بقره؛ ۲۱۸: بقره؛ ۴۱: توبه؛ ۷۴: انفال). امر به معروف و نهی از منکر، و جوب اطاعت از ولی خدا؛ آیات جعل ولایت (۵۵: مائده) آیات ناظر به اصول و قواعد سیاسی: نفی سبیل (۱۴۱: نساء)، عدم اعتماد و رکون به کفار (۱۱۳: هود) آیات تعیین کننده تکالیف دولت اسلامی: تعظیم شعائر الهی (۳۲: حج)، برگزاری مراسم حج (۹۷: حج)، امر به معروف و نهی از منکر (۷۱: توبه؛ ۹۰: نحل)، امور حسبه (۱۲۴: بقره؛ ۶: احزاب) آیات اصول سیاست خارجی، روابط و حقوق بین الملل (۸: ممتحنه) و (۶۱: انفال).

- نظریه اخباریون: استنباط احکام نظری از ظواهر کتاب و سنت نبوی تا زمانی که وضع آن‌ها از طرف ائمه اطهار، معلوم نگردد، جایز نبوده و در چنین حالتی، توقف و احتیاط، واجب بوده و استنباط جایز نیست (استرآبادی، ۱۴۰۵ق: ۲۹). بنابراین هر چند در دوران غیبت، نظریات متفاوتی وجود دارد، اما نظر غالب بر «جواز استنباط» ولو به بعضی آیات، پابرجاست و نشان می‌دهد که چطور قرآن به عنوان منبع و روشی غنی در استنباط و تدوین فقه سیاسی شیعه نقش دارد.

#### ۲. سنت

اخباری‌ها<sup>۱</sup> تنها احادیث ائمه معصومین را معتبر می‌دانند و تفسیر غیر روایی قرآن را جایز نمی‌دانند. آنها معتقدند مردم مخاطب ائمه و ائمه مخاطبان پیامبر هستند. در مقابل، اصولی‌ها اخبار متواتر را با شرایط خاص قبول کرده و در مورد خبر واحد نظرات مختلفی دارند؛ برخی آن را حجت نمی‌دانند، در حالی که بیشتر آنها با بررسی شرایط راوی، آن را حجت می‌دانند. شیعه به

۱. اخباریون به کسانی گفته می‌شود که به پیروی از نصوص و اخبار و احادیث تأکید دارند و در نقطه مقابل اصولیون هستند که بر اجتهاد و بهره‌گیری از اصول فقه در استنباط فقهی تأکید دارند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۱ ب ۲: ۱۱۰) البته در قرن یازدهم اصطلاح خاصی برای اخباری‌گری به وجود آمد که روش اجتهاد و تفکر عقلی را بر نمی‌تایید و فقه را مبتنی بر ظواهر حدیث محور عمل قرار داد. (استرآبادی، ۱۴۰۵ق: ۴۵۴-۴۵۶ و ۱۴۵)

دیگر این استقلال را قائل نیستند. (مناهج جامعه المدینه العالمیه، بی تا: ۳۱۴) شافعی تلاش کرده تا سنت را به قرآن ارتباط دهد و آن را از نظر مشروعیت به قرآن متصل کند (میراحمدی، ۱۳۸۲: ۷۸-۷۶). در مذاهب اربعه اهل سنت، هر مذهب منابع مختلفی را برای استنباط فقهی به کار می‌گیرد که بخشی از آن‌ها مشترک و برخی خاص آن مذهب هستند. برای مثال، در فقه شافعی از قرآن، نصوص، ظواهر، مفهومات و سنت (متواتر، مشهور و آحاد) استفاده می‌شود. (حیدراسد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۲). در فقه حنبلی نیز منابع شامل قرآن، روایات، فتوای صحابه بدون مخالف، فتوای صحابه با وجود مخالف ولی نزدیک‌تر به قرآن و روایات و قیاس هستند (ابن قیم، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۲۶-۲۲؛ حیدراسد، ۱۳۹۰، ج ۴: ۳۵۰-۳۴۶).

بنابراین شیعه و اهل سنت هر دو از روش نقلی در اجتهاد بهره می‌گیرند، اما تفاوت‌هایی در گستره و نحوه استناد به قرآن و سنت مشاهده می‌شود. در اهل سنت، تکیه بر ظواهر و تفاسیر غیر روایی قرآن و اعتماد بر اخبار واحد معمول است.

## ۲. مقیاس عقل (بهره‌گیری از عقل در شیعه و روش قیاس، استحسان، استصلاح، سد ذرایع در فقه سیاسی اهل سنت)

پس از آغاز خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و وقوع جنگ‌های داخلی، مسلمانان به مواضع عقلانی و نقلی مختلفی روی آوردند که منجر به شکل‌گیری دیدگاه‌های اعتقادی متنوعی شد. این تفاوت‌ها بر پایه تفسیرهای متفاوت از آیات قرآن بود؛ برخی آیات، حامی عقل و تعقل و برخی بر تعبد و ایمان محض تأکید داشتند. متفکران شیعه، به هدایت ائمه هدی علیه‌السلام، تلاش کردند تا بین این جنبه‌های عقل و نقل تعادل برقرار کنند. در همین حال، معتزله<sup>۱</sup> بر عقل‌گرایی افراطی تأکید داشتند،

عدالت تمام صحابه اعتقاد ندارد، جبرگرایی را نمی‌پذیرد و در اجتهاد، مخطئه است (لک زایی، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۴).

## ب) در منظر اهل سنت ۱. کتاب

در اهل سنت، به ویژه در شافعی، قرآن به‌عنوان منبع اصلی استنباط فقهی معرفی می‌شود و شافعی تأکید بسیاری بر پایبندی به نص قرآن دارد. با این حال، برخی از اهل سنت معتقدند که همه مسائل فقهی در قرآن ذکر نشده و برخی مسائل جدید نیاز به استنباط دارند. این دیدگاه موجب می‌شود که احکام فقهی ثابت به شمار آیند، در حالی که وقایع و مسائل جدید و نوظهور بی‌پایان هستند. ابوحنیفه تأکید دارد که هیچ‌گاه نظر شخصی‌اش را بر نص قرآن و سنت ترجیح نمی‌دهد و هرگاه نصی در دسترس باشد، از اجتهاد شخصی خود استفاده نمی‌کند (شعرانی، ۱۹۲۵ م، ج ۱: ۶۱). در مواردی که نص وجود ندارد، به سنت پیامبر و سپس به عقاید صحابه مراجعه می‌کند. اگر صحابه در مسئله‌ای اختلاف داشته باشند، ابوحنیفه نظرهایی را که بیشتر با نظر خود تطابق دارند، برمی‌گزیند (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱۳: ۳۶۸؛ ملکی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱: ۸۹). این رویکرد به‌طور کلی نشان‌دهنده اهمیت نصوص دینی در فقه شافعی و انعطاف‌پذیری فقه حنفی در مواجهه با مسائل جدید است.

## ۲. سنت

در دیدگاه اهل سنت، دو نکته مهم وجود دارد. نخست، به لحاظ روش‌شناختی، سنت راه حلی برای فهم دقیق‌تر آیات قرآن به‌ویژه آن دسته از آیات که دلالت آشکار و صریح ندارند، محسوب می‌شود. دوم، بحث درباره استقلال سنت مطرح است. در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی سنت را وحی دانسته و آن را منبعی مستقل از قرآن می‌دانند، در حالی که برخی

۱. اعتزال به معنای کناره‌گیری و دوری جستن (نهج البلاغه حکمت ۲۶۲) و معتزله مکتبی است که از نصوص فاصله گرفته و به عقل‌گرایی افراطی روی آورده و معتقدند حکم قاطع را ذهن می‌دهد و روش صحیح را تنها عقل استنتاج می‌کند. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۷۲)

در حالی که اشاعره<sup>۱</sup> به تعطیلی عقل گرایش یافتند. شیعه راهی میانه اتخاذ کرد که تعادل و تفاهمی میان عقل و نقل برقرار می‌کرد (آل غفور، ۱۳۸۰: ۱۲۴-۱۲۱). البته این موضوع نه تنها میان شیعه و اهل سنت بلکه در میان شیعیان نیز منشأ مباحث و مناقشات بسیاری بوده است، به ویژه در مباحث روش‌شناختی مربوط به جایگاه عقل در فقه و اصول (صدر، ۱۴۰۵ ق، ج ۴: ۱۱۹).

### الف) در منظر شیعه

در دوران حضور امام معصوم علیه‌السلام، شیعیان وحدت و یکپارچگی داشتند، اما با غیبت امام دوازدهم علیه‌السلام، شیعیان با چالشی مشابه مواجه شدند که اهل سنت پس از رحلت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با آن روبه‌رو بودند. تفاوت این بود که امام دوازدهم زنده بود اما در پس پرده غیبت قرار داشت. در دوره غیبت صغری، چهار سفیر رابط شیعیان با امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بودند که مشکل جدی بروز نکرد. اما با پایان این دوره، شیعیان با این سوال مواجه شدند که در مواجهه با مسائل جدید به چه کسی مراجعه کنند؟ امام پاسخ دادند که به روایان حدیث مراجعه کنند (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۸، باب ۱۱، ح ۹) در آغاز غیبت کبری، دو مکتب اصلی در میان شیعیان شکل گرفت:

- مکتب بغداد (عقل‌گرا): مانند ابن ابی عقیل عمانی، ابن جنید، شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی (گرجی، ۱۳۷۵: ۱۳۶-۱۲۴).

- مکتب قم (نقل‌گرا): که شیخ صدوق از آن حمایت می‌کرد. در دوره‌های بعد، مکتب بغداد توسط ابن‌ادریس، محقق حلی، علامه حلی و دیگران توسعه یافت، در حالی که مکتب حدیث‌گرای قم توسط علمای اخباری مانند ملامحمد امین استرآبادی و میرزا محمد اخباری دنبال

شد و مرزهای خود را از جریان اجتهادی جدا کردند. (استرآبادی، ۱۴۰۵ ق: ۴۵۴-۴۵۶ و ۱۴۵؛ جناتی، ۱۳۷۲: ۲۹۳). این دو جریان در نهایت در قرن سیزدهم به نفع جریان اصولی متحول شدند، هرچند برخی مجتهدان اصولی در عمل به شیوه اخباری فتوا می‌دادند (لک زائی، ۱۳۸۲: ۵۵). بعضی از دانشمندان متأخر شیعی معتقدند که عقل می‌تواند به عنوان منبع بالقوه برای فقه عمل کند، هرچند در عمل، احکامی که تنها بر پایه عقل قابل کشف باشند، همواره با راهنمایی قرآن و سنت بیان شده‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱۲).

### ب) در اهل سنت

شافعی با تأسیس اصول فقه، بنیاد روش‌شناختی فقه و فقه سیاسی را پی‌ریزی کرد. پیش از او، دو رویکرد افراطی غالب بود: افراط در عقل‌گرایی و تأکید بر «رأی» و افراط در تحقیقات نقلی و تأکید بر «حدیث». شافعی با ارائه یک روش‌شناسی متوازن، سعی کرد تا بین رأی و حدیث و عقل و نص ارتباط برقرار کند. روش شافعی، که به «راه وسط» مشهور شد، اگرچه به‌عنوان یک راه میانه شناخته شد، اما در عمل، عقل را تابع نص قرار داد و کارکرد آن را به قیاس شرعی تقلیل داد. او استنباط احکام، به‌ویژه احکام سیاسی را به نص محدود کرد و تأکید داشت که باید با نص موافقت داشته باشد. شافعی برای اینکه احکام را از نص قرآن استخراج کند، نیاز به منابع دیگری نیز داشت. او اعتقاد داشت که حجیت تمام احکام و رفتارهای سیاسی نهایتاً به نص قرآن برمی‌گردد. روش‌شناسی شافعی دو نتیجه مهم داشت:

- لزوم موافقت با نص و شرع در احکام سیاسی و حذف هرگونه حوزه مسکوت‌عنه.  
- تأکید بر قرآن به‌عنوان نخستین منبع احکام، با اذعان به اینکه فهم قرآن به منابع دیگری نیز نیازمند است (فیرحی، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۶).

#### ۱. مصلحت‌مرسله

از روش‌های اجتهادی مالکیه و به معنای مصلحتی

۱. اشاعره گروهی هستند که به نص‌گرایی افراطی روی آورده و حتی معتقدند که عقل باید تابع نص باشد. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۱۰۲)

متمایز کرد (همان: ۲۸۹-۲۸۷ به نقل از مالک: ۳۵۶-۳۵۷). بنابراین، شافعی بر خلاف سایر مذاهب اهل سنت، معتقد است استحسان فاقد پایه و ضابطه‌ای مشخص برای تشخیص حقانیت است.

### ۳. قیاس

قیاس مورد نظر اهل سنت معادل تمثیل منطقی<sup>۱</sup> است و قطع آور نیست. زیرا تشخیص و استخراج فلسفه و علت حکم در این مورد توسط بشر صورت می‌گیرد و فرق آن با قیاس منصوص العله و قیاس اولویت شیعه همین است. (اعتمادی، ۱۳۷۱: ۳۴۸) چرا که آن از باب حجیت ظواهر است. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۷۸) اهل سنت برای حجت قیاس به ادله ای از کتاب و سنت و اجماع استناد کرده‌اند. به عنوان مثال از خلیفه دوم نامه ای به ابوموسی اشعری نقل شده که در آن تصریح به قیاس می‌کند. (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۱۱۵؛ دارقطنی، ۱۳۸۶ق، ج ۴: ۲۰۶)

قیاس در فقه مالکی و حنفی به عنوان روش استنباط پذیرفته شده، ولی تفاوت‌هایی دارد. هرچند مبنای قیاس در هر دو مذهب یکی است، اما دایره قیاس در آن‌ها متفاوت است. (فخررازی، بی تا، ج ۱۰: ۱۳۱؛ مختارالخادمی، ۱۴۲۳ق: ۱۸۷) ابوحنیفه کسی بود که اولین بار قیاس را توسعه داد تا جایی که به «رأس القاسیین» مشهور شد و شافعیه و مالکیه از او تبعیت کردند. (مظفر، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۱۶۱) او در استنباط، محدوده وسیع‌تری را در نظر می‌گرفت و حتی احکام مسائلی را که هنوز اتفاق نیفتاده بود، بررسی می‌کرد. او علت‌هایی را که احکام از آن‌ها نشأت می‌گرفت، استنباط می‌کرد و به دنبال اهدافی بود که با شرع سازگار بودند. بر این اساس، احکام را استخراج و علت‌ها را بر موارد متناسب منطبق می‌ساخت. به دلیل کمبود احادیث، ابوحنیفه مجبور بود به رأی و نظر خود توجه کرده و آن را مبنای قیاس قرار دهد (حیدراسد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۹۰-۲۸۹؛ مختارالخادمی، ۱۴۲۳ق: ۱۸۸).

### ۴. سد ذرایع

۱. ذهن از حکم یک شیء به حکم شیء دیگر منتقل شود؛ به سبب جهت مشترک میان آن دو (مظفر، ۱۳۶۶ش، ج ۲: ۲۹۹)

که هدفش حفظ مقاصد شریعت است. این مصلحت در کتاب و سنت و اجماع وجود دارد اما منبع مشخص و معتبری ندارد و مقصود بودن آن از یک دلیل واحد فهمیده نمی‌شود، بلکه از مجموع ادله و قرائن دریافت می‌شود. به همین دلیل به آن مصالح مرسله یا آزاد و بی‌قید می‌گویند. چالش اصلی زمانی پیش می‌آید که این مصالح با یک دلیل نص یا قیاس تعارض داشته باشد. به‌طور کلی، بر سر لزوم پیروی از مصلحت مرسله، به جز در موارد تعارض با مصلحت دیگر، اتفاق نظر وجود دارد و در صورت تعارض، در ترجیح یکی از دو مصلحت اختلاف نظر است (حیدراسد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۷-۲۸۶).

### ۲. استحسان

به معنای ترجیح ترک مقتضای یک دلیل، به نحوی استثنایی و به دلیل تعارض با مقتضیات دلیلی دیگر است و چهار نوع دارد: ۱. ترک دلیل به خاطر عرف ۲. ترک دلیل به خاطر اجماع ۳. ترک دلیل به خاطر مصلحت ۴. ترک دلیل به خاطر رفع مشقت و ایجاد راحتی. مالکیه در روایتی گفته که نه دهم علم استحسان است. (همان). اما شافعی نقد شدیدی به این مفهوم وارد کرده و در کتاب «الأمم» به این موضوع پرداخته است. شافعی معتقد است که استحسان باطل است زیرا:

- شارع از هیچ امری از امور انسان فروگذار نکرده، بلکه آنچه مصلحت او بوده آورده. آنچه تبعیتش واجب بوده به طور صریح بیان کرده و آنجا که عبارت صریحی نیست اشاراتی کرده که با کمک قیاس می‌توان استنباط کرد. پس جایی برای استحسان باقی نمی‌ماند.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون دریافت وحی که حاوی بیان حکم شرعی بود، حکم نمی‌داد.
- اطاعت از خدا و رسول به معنای پیروی از قرآن و سنت است و اگر نصی نبود باید با ارتباط به یکی از این دو پیروی انجام شود و استحسان جزء این دو نیست.
- پیامبر عمل برخی صحابه را که بر اساس استحسان بود، مردود خوانده است.
- استحسان معیاری ندارد که بتوان حق را از باطل

جلب مصالح و دفع مفاسد در شریعت ضروری است. برخی افعال مانند سرقت و زنا مستقیماً حرام شده‌اند، اما برخی دیگر به دلیل منجر شدن به حرام، تحریم شده‌اند، مانند خلوت با زن بیگانه. قاعده سد ذرایع به بستن راه‌های منتهی به محرمات و قاعده فتح ذرایع به باز گذاشتن راه‌های منتهی به واجبات اشاره دارد (صدر، ۱۴۱۷ ق: ۳۰۰). مالک این قاعده را در بسیاری از ابواب فقه اجرا می‌کند و معتقد است که یک چهارم تکالیف با این قاعده استخراج می‌شود. حنبلی‌ها سد ذرایع را روش تشریح می‌دانند و حنفی‌ها نیز به‌طور ضمنی آن را پذیرفته‌اند. از شافعی‌ها نص صریحی بر پذیرش آن وجود ندارد، اما برخی فتاوا به پذیرش ضمنی آن اشاره دارند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱: ۴۵۰، ۴۲۶).

### ۳. عنصر اجتهاد در فقه سیاسی شیعه و سنت سلف و سلفی‌گری در فقه سیاسی اهل سنت

#### الف) اجتهاد شیعه

شیعه امامیه به اجتهاد مطلق برای فقیه اعتقاد دارد، به این معنا که فقیه می‌تواند احکام را به‌طور آزاد و مستقل از دیگران و براساس منابع معصوم مانند قرآن و سنت استخراج کند و تلاش خود را برای به دست آوردن حکم شرعی به کار گیرد. (آخوند خراسانی، ۱۴۲۵ ق: ۵۲۸؛ ابن حاجب المالکی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱: ۳۷۴؛ کرکی، ۱۳۹۶ ق: ۱۸۳؛ حلی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۲۴۷؛ فیاض، ۱۴۱۳ ق: ۱۵) این بر خلاف اهل سنت است که در آن، مجتهد تحت تأثیر فهم غیر معصوم قرار می‌گیرد. (امام خمینی، ۱۴۲۶ ق: ۱۱؛ کرکی، ۱۳۹۶ ق: ۱۸۳-۱۸۰؛ فیاض، ۱۴۱۳ ق: ۱۵-۱۳؛ آملی، ۱۴۳۰ ق، ج ۱: ۱۸-۱۷). با این حال، اخباریون شیعه بر این باورند که اجتهاد عقلی جایز نیست و به تعطیلی عقل و تکیه بر اخبار اکتفا می‌کنند. (وحید بهبهانی، ۱۴۱۶ ق، مقدمه: ۲۱؛ مطهری، ۱۳۸۰ ش: ۱۰۶-۱۰۳)

#### ب) سلف در شیعه

سلف یعنی کسانی که در زمان معصومین یا نزدیک به آن دوره زندگی کرده‌اند و شامل فقهای اولیه بعد از آن عصر می‌شود. کسانی که در استنباط فقهی خود بر سلف تکیه می‌کنند، سلفی محسوب می‌شوند و بر دو قسم‌اند:

- تکیه کامل بر سلف: اخباریون جزء این دسته هستند و با تکیه بر سلف، اصول و اجتهاد را نفی کرده و گاهی ادبیات جدید فقهی بعد از معصومان را رد می‌کنند.  
- تکیه محدود بر سلف که خود بر دو دسته‌اند:  
الف. این دسته به جای اصحاب امامان، بر فقهای بعد از عصر امامان تکیه می‌کنند و باور دارند که اندیشه‌های ایشان برگرفته از معصومین است. ب. برخلاف اخباریون، این دسته با قبول اجتهاد، از سلفیت فقهی بهره می‌برند و اجتهاد را نفی نمی‌کنند (مبلغی، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۱). این رویکردها نشان‌دهنده تنوع و تفاوت در تکیه بر سلف و نحوه استفاده از اجتهاد در میان شیعیان است.

#### ج) سلف در اهل سنت

در اهل سنت، شریعت سلف به‌عنوان منبع شناخت احکام از اواخر قرن دوم پذیرفته شد. پیروان ابوحنیفه، مالک بن انس و شافعی آن را به‌عنوان روش شناخت احکام به کار بردند، اما تنها زمانی که نتوانند از راه منابع اسلامی دیگر به حکم شرعی دست یابند (جناتی، ۱۳۶۹: ۴). در میان اهل سنت، سه نوع سلفی‌گری وجود دارد:

- سلفی‌گری قالب‌گرا: به زمان خاصی پایبند هستند و عدول از آن را جایز نمی‌دانند؛ این‌ها سخت‌ترین گروه سلفی هستند.  
- سلفی‌گری محتوایی: به قالب‌ها توجهی ندارند و محتوای صدر اول اسلام را با نگاه تحلیلی و اجتهادی بررسی می‌کنند؛ این گروه انعطاف‌پذیرتر است.  
- سلفی‌گری محتوایی با نگاه اجتهادی و مقاصدی: معتدل‌ترین هستند و به «مقاصد الشریعه» توجه دارند. این گروه محتوای صدر اسلام را با رویکردی عقلانی می‌بینند و برای محتوای همان دوره ارزش بالایی قائل‌اند (مبلغی، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۱).

۴. مقیاس امامت در فقه سیاسی شیعه و مقیاس خلافت، حل و عقد، حاکم پیشین، ولایت‌عهدی، غلبه به سیف و سلاح در فقه سیاسی اهل سنت

#### الف) امامت در فقه سیاسی شیعه

عمده چالش روش‌شناسی فقه سیاسی شیعه و اهل

فتنه‌ها، فعالیت منسجم و تشکیلاتی، عدم سوءاستفاده از اعتقادات باطل، حمایت از نهضت‌های آزادی‌خواه، بسترسازی برای قیام‌ها، استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، شناخت دشمن، اثبات برتری خود، انتقاد از خلافت غاصب، نفاق‌زدایی. این اصول، بخشی از دیدگاه‌های سیاسی مبتنی بر امامت در شیعه را نشان می‌دهد و بیانگر توانایی این اندیشه در مدیریت جامعه اسلامی است (نوابی، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۱۴).

### ب) خلافت، حل و عقد، حاکم پیشین، ولایتعهدی، غلبه به سیف و سلاح در اهل سنت

اهل سنت و شیعه در تعریف خلافت و امامت به معنای جانشینی رسول خدا مشترک هستند، اما دایره دیدگاه‌ها و روش‌های تعیین متفاوت است.

#### ۱. شرایط خلافت از دیدگاه اهل سنت

- شرایط عمومی: شامل مواردی مثل عدالت، دانش، سلامت حواس و بدن، و شجاعت است. همچنین، نسب خلیفه باید از قریش باشد (ماوردی، ۱۴۰۹: ۵).

- شرایط خاص: شامل افضلیت، استقبال و استعجال است که نشان‌دهنده پذیرش عمومی خلیفه از سوی مردم می‌باشد. (همان: ۲۴).

#### ۲. روش‌های نیل به قدرت

- بیعت: این روش به‌ویژه در اهل سنت مهم است و مباحث مختلفی دارد که شامل داشتن شرایط خاص، لزوم بیعت، و مراتب بیعت می‌شود.

- انتصاب: این روش به دو صورت انجام می‌شود:  
اول: انتصاب توسط خدا و پیامبر که در اندیشه شیعه دیده می‌شود.

دوم: انتصاب از طرف خلیفه قبلی یا اهل حل و عقد که در اهل سنت مطرح است.

- قهر و غلبه: برخی اهل سنت بر این باورند که اگر حاکم با جنگ و قهر و کودتای نظامی به قدرت برسد، همچنان باید از او اطاعت کرد، حتی اگر دستورات او ظالمانه باشد و مصلحت جمع در این زمینه مراعات می‌گردد. مسأله ولایتعهدی و حتی یک یا چند ولیعهد هم از مباحث دیگر این روش است (ماوردی، ۱۴۰۹: ۱۴۰۹).

سنت در این روش است. فقه سیاسی شیعه بر پایه این اعتقاد استوار است که امام باید مستقیماً توسط خداوند منصوب شود. شیعه معتقد است که امامان باید عادل، عالم و معصوم باشند و اطاعت از آن‌ها به دلیل داشتن مشروعیت الهی، واجب است (منکری، ۱۳۸۲: ۹۷؛ ابن قتیبه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۴۱). این دیدگاه برگرفته از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که خلافت را امری الهی می‌دانست و هیچ‌کس حق دخالت در آن نداشت (طبری، ۱۳۸۷، ق، ج ۱: ۳۵۰). بر اساس این اندیشه، امام علی علیه السلام و یازده فرزندش به‌عنوان جانشینان پیامبر منصوب شدند (محرر، ۱۳۹۷: ۷۲-۷۱). جامعه شیعه حول محوریت امام شکل گرفته است و تعامل امام با مردم و نظام سیاسی، همچنین پرسش‌های جامعه درباره مسائل سیاسی و اجتماعی در محضر امام، از عناصر کلیدی در شکل‌گیری فقه سیاسی شیعه هستند. در دوران حضور امام معصوم، مشروعیت حاکم از طریق نصب مستقیم صورت می‌گیرد. در عصر غیبت، این مشروعیت بر اساس نصوص فقهی، حاکمیت فقیه را مشروع می‌داند (کریمی نیا و حکمی شلمزاری، ۱۳۹۵: ۶۸-۶۰). انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان تحقق نسبی آرمان‌های شیعه، حاصل مجاهدت‌های تاریخی ائمه و فقیهان است که تلاش کردند جامعه شیعه را به سطح حاکمیت برسانند.

در دیدگاه شیعه، نظام سیاسی اسلام بدون امامت معنا ندارد. امام رضا علیه‌السلام امامت را به‌عنوان مقام انبیاء و ارث اوصیاء توصیف می‌کند و آن را بنیاد و نظام‌بخش اسلام می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، بخش ۲: ۲۰۲-۱۹۸). امامان شیعه علیهم السلام در طول تاریخ، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی، رهبری جامعه اسلامی را بر عهده داشتند. رهبری آنان دارای اصول و روش‌های مشخصی بود که به تبیین اندیشه سیاسی شیعه کمک کرده و شامل موارد زیر می‌شود: تکلیف‌مداری، اجرای عدالت، حفظ و ترویج نهضت عاشورا، صداقت سیاسی بدون توجه به مصلحت‌اندیشی‌های شخصی، حفظ وحدت امت، مقاومت در برابر ظلم، استتار و تقیه، جلوگیری از

ج ۱: ۶۶؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۱ق: ۴۲؛ صدرا، ۱۳۸۱: (۱۱۵).

- انحراف در اطاعت: اهل سنت معتقدند که اطاعت از خلیفه ضروری است، حتی اگر او فاسق باشد یا از طرق مختلف به حکومت رسیده باشد. (ماوردی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۴۲) این دیدگاه با آموزه‌های قرآنی که بر عدم تمایل به ظالمین تأکید دارند، در تضاد است. قرآن آیات مختلفی مانند «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (۱۱۳: هود) و «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (۱۱۳: هود) دارد که به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل نشوید) دارد که به مسلمانان توصیه می‌کند از ستمگران دوری کنند و در صورت تسلیم موقت، تلاش برای براندازی حاکم ستمگر را ضروری می‌سازد (ماوردی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۴۳؛ آصفی، ۱۳۸۵: ۱۴۶). علاوه بر این، نظریه اهل سنت که در صورت بیعت با دو امام در یک زمان، یکی از آن‌ها باطل و دیگری به‌عنوان امام منتخب شناخته می‌شود، می‌تواند به منازعه و حتی قتل منجر شود (حسینی الفنونجی البخاری، بی‌تا: ۴۱۳؛ فراء، بی‌تا: ۲۵). این رویکرد ممکن است منجر به سوءاستفاده و فساد شود، زیرا حاکمیت ممکن است بر اساس قدرت و ثروت، نه عدالت و صلاحیت، به دست آید. انتقاد کلیدی به این دیدگاه این است که حاکمیت نباید به قدری تنزل یابد که به مسابقه‌ای تبدیل شود.

۵. روش بهره‌گیری از فتوا، عمل، اقتداء به صحابه در فقه سیاسی اهل سنت و شیعه

#### الف) از منظر شیعه

در دیدگاه شیعه، صحابی به کسی اطلاق می‌شود که به‌طور طولانی با پیامبر همراه بوده و در اوامر و نواهی او مطیع بوده است و تا موقع مرگش متصف به آن اوصاف بوده باشد از منظر شیعه حجیت فتوا، عمل، اقتداء به صحابه در گرو نقل و اقتدای آنان به معصوم علیه السلام است. صرف مصاحبت با پیامبر برای اثبات عدالت و حجیت فتوا کافی نیست، زیرا برخی صحابه از مسیر حق منحرف شدند. بنابراین، باید رفتار هر صحابی را با قرآن و سنت صحیح تطبیق داد و نمی‌توان همه صحابه را به یک‌باره عادل دانست. اگر رفتار کسی بر خلاف قرآن ثابت شود، عدالت دچار خلل خواهد شد. (احمد حسین

یعقوب (بی‌تا) ج ۱: ۵۹-۶۲؛ تقی پور، ۱۳۸۹: ۲۱۰-۲۰۶.

#### ب) از منظر اهل سنت

برای اهل سنت، قول و فعل صحابه یکی از پرکاربردترین روش‌های استنباط فقه سیاسی است. بنا بر قول بعضی منظور از «مذهب صحابی» یعنی هر آنچه از صحابه در امری از امور دینی باقی مانده است و در این فرقی بین قول، فعل، تقریر و... صحابی نیست. (طیب الخضری، ۱۳۹۷ق: ۳۶۵). ابوحنیفه آثار صحابه را بر قیاس و رأی مقدم می‌داشت (ابن قیم، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۷۰، ۳۰). مالک قول صحابی را به سنت ملحق می‌کرد، بلکه نقل شده که مالک خبر واحد را با قول مخالف یک نفر از صحابه رها می‌کرد (شاطبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۷۶، ۴۲). شافعی جایگاه قول صحابی را بعد از نص و اجماع قرار داده و آن را بر قیاس مقدم می‌داشت (مدکور، ۱۹۷۲م: ۶۳۶). در عصر بنی امیه، احادیث و روایات زیادی درباره فضیلت صحابه ساخته شد تا آنها را به‌عنوان الگو معرفی کند و نقد آنها را ممنوع نماید. این روایات به‌طور جدی بر حجیت و عدم حجیت فتوا و عمل صحابه تأثیر گذاشت.

۶. روش تطبیق عنصر نیاز فردی، اجتماعی، حکومتی و حوادث واقعه و عدم آن در فقه سیاسی

#### شیعه و اهل سنت.

#### الف) در شیعه

فقه سیاسی شیعه به سه رویکرد متفاوت تقسیم می‌شود که هرکدام به‌طور خاص در پاسخ به نیازهای فردی، اجتماعی و حکومتی و به‌ویژه در مواجهه با حوادث واقعه در تاریخ اسلام شکل گرفته‌اند.

#### ۱. فقه سیاسی با رویکرد فردی

در دوره‌هایی که جامعه شیعه تحت فشار تقیه قرار داشت، و از مشارکت در امور حکومتی محروم بود. فقه سیاسی شیعه عمدتاً بر مسائل فردی متمرکز بود و تنها به رفع نیازهای فردی مسلمانان در زمینه‌های عبادی، اقتصادی، خانوادگی و جزائی (مانند قصاص و حدود) می‌پرداخت. ویژگی این دوره این بود که مسائل سیاسی به‌طور جزئی و محدود، مانند نماز جمعه یا رویت هلال

ماه، مطرح می‌شد. همچنین تأمین نیازهای اجتماعی در حد محدود بوده و مسائل حکومتی کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت (ایزدهی، ۱۳۹۴: ۱۶۲-۱۶۳).

## ۲. فقه سیاسی با محوریت جامعه

در این رویکرد، حق حاکمیت سیاسی تنها مختص به امام معصوم است و فقیه در عصر غیبت نمی‌تواند مسئولیت کامل رهبری نظام سیاسی را بر عهده گیرد. طبق این دیدگاه، ولایت فقیه در دوران غیبت تنها به فتوا دادن، قضاوت، و برخی امور اجتماعی خاص محدود می‌شود، مانند ولایت بر امور محجوران، یتیمان، و اموال بدون صاحب. (همان: ۱۶۵). لذا فقه سیاسی همچنان در یک محدوده محدود باقی می‌ماند و امکان اجرای کامل آن در عصر غیبت وجود ندارد. همچنین، این نگرش به حاکمیت جائر و نظام سیاسی جور در دوران غیبت اعتقاد دارد و به همین دلیل نمی‌تواند از ظرفیت‌های گسترده‌تر فقه شیعه برای اداره امور اجتماعی بهره‌برداری کند و بسیاری از احکام و مسائل فقهی معطل می‌مانند تا در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به فعلیت برسند.

## ۳. فقه سیاسی با محوریت فقه حکومتی

بر این باور است که شریعت اسلام پاسخگوی تمامی نیازهای فردی، اجتماعی و حکومتی در تمام زمان‌ها و شرایط است. با وجود اینکه در گذشته به دلایل عدم دسترسی به قدرت (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۷۶/۳/۱۴)، اقلیت بودن شیعه (همان: ۱۳۶۵/۱/۴)، ناامیدی فقیهان از تشکیل حکومت شیعی (همان: ۱۳۶۳/۶/۲۷) و رواج تفکر جدایی دین از سیاست (همان: ۱۳۶۸/۹/۲۹)، فقه شیعه رویکرد فردی داشت، اما با تغییر شرایط سیاسی جامعه، به‌ویژه پس از جمهوری اسلامی ایران، فقه شیعه گسترش قابل توجهی یافته است. در این رویکرد، فقه حکومتی علاوه بر پاسخگویی به مسائل فردی و اجتماعی، به تدبیر و اداره فضای سیاسی و اجتماعی جامعه نیز توجه دارد. امام خمینی (ره) در این زمینه تأکید داشتند که احکام الهی قابل نسخ نیستند و همان‌طور که این احکام تا روز قیامت باقی خواهند ماند، ضرورت برپایی حکومت اسلامی برای اجرای این احکام

## ب) در اهل سنت

پس از رحلت پیامبر اکرم، برخی مسلمانان معتقد بودند که نص صریحی برای تعیین جانشین پیامبر وجود ندارد. (ماوردی، ۱۴۰۹: ج ۱: ۱۵) یعنی قائل به نظریه «فقدان یا نقص نص» بودند. بر این اساس، از راهکارهایی چون شورا، بیعت اهل حل و عقد، و قهر و غلبه برای تعیین خلیفه استفاده کردند. همچنین بر این باور بودند که احکام مندرج در قرآن و سنت محدود و متناهی هستند، در حالی که وقایع و مسائل جدید نامحدودند. این مسئله باعث شد تا به دو راهکار پناه ببرند:

### ۱. اجتهاد به رأی شخصی

به عنوان جبران برای نقص نص استفاده می‌شود، منظور از اجتهاد در اینجا عمل به رأی شخصی است نه استنباط حکم شرعی از روی ادله معتبره (مطهری، ۱۳۸۰: ۹۷).

### ۲. تأویل نص

مراد از تأویل نص، تعبیر و تفسیر نص بر خلاف ظاهر و نیز انحراف در کاربرد و تطبیق نص (و به اصطلاح استفاده در غیر ما وضع له) است، که برای اولین بار در واقعه سقیفه دیده شد؛

در مواجهه با نیازهای جامعه در دوره‌هایی، از نقل سنت جلوگیری کرده یا هر گونه سنتی را به‌عنوان سنت پیامبر پذیرفته‌اند و با طرح نظریه فقدان نص، جریان جانشینی پیامبر را منحرف کرده و حتی زور و غلبه را برای پذیرش خلیفه کافی دانسته‌اند. (مناهج جامعه المدینه العالمیه، بی تا: ۵۲۵) اهل سنت در حوادث واقعه، ضمن تکیه بر سلف، با طرح نظریه فقدان نص یا تأویل نص، با اجتهاد به رأی و حتی اجتهاد در مقابل نص (همان: ۱۳) سیاست خود را پیش برده است. این

دیدگاه نشان‌دهنده تطابق محدود و بعضاً نارسایی در پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی و حوادث جدید در فقه سیاسی اهل سنت است. (مناهج جامعه‌المدینه العالمیه، بی تا: ۲۵۶-۲۵۲؛ صلابی، بی تا، ج ۱: ۱۴۹-۱۴۸)

## ۷. روش سیستمی و ترکیبی در فقه سیاسی شیعه و عدم آن در اهل سنت (الف) در فقه سیاسی شیعه

دین به‌عنوان یک سیستم هویتی در نظر گرفته می‌شود که گزاره‌های دینی استراتژی‌های لازم برای برنامه‌ریزی و مدیریت جوانب مختلف زندگی فردی و جمعی را ارائه می‌دهد. (صدر، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۶) یعنی دین برای موضوعات مختلف در زندگی انسان، برنامه و مدل ارائه کرده است و این مدل‌ها به صورت شبکه واحد در تعامل هستند. (واسطی، ۱۳۸۳، ش: ۱۰۷) به عنوان نمونه، امیرالمومنین (علیه السلام) در عهدنامه خود به مالک اشتر هنگام حکومت مصر، چهار زیرساخت کلان برای اداره جامعه را بیان می‌کنند که هرکدام از ارکان اساسی تمدن دینی و نشان از تفکر سیستمی حکومت دینی هستند: الف- تنظیم بودجه و رفع نیازهای اقتصادی از طریق مالیات (توجه به اقتصاد و معیشت جامعه) ب- تأمین امنیت نظامی و دفاعی (توجه به امنیت و آسایش جامعه) ج- مدیریت منابع انسانی و اصلاح جامعه (توجه به تربیت و آموزش و فرهنگ جامعه) د- عمران و شهرسازی (توجه به تأمین اجتماعی و رفاه جامعه). (واسطی و علی آبادی، ۱۴۰۰: ۱۲۰-۱۱۷)

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «فقه، ثنوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند» (امام خمینی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۸۹). در این نگرش، فقیه با داشتن نگرش سیستمی و ترکیبی به پدیده‌های جزئی و فرعی سیاسی نگاه می‌کند و نسبت آن‌ها را با کل سیستم و حکومت اسلامی بررسی می‌کند. فقیه در فرایند استنباط فقهی، تمامی این پدیده‌ها را با

توجه به سیستم حکومتی اسلام مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد. بنابراین فقه سیاسی شیعه شامل موارد زیر می‌باشد:

### ۱. فقه سیستماتیک

فقه اسلامی به‌عنوان یک سیستم، اهداف و استراتژی‌های خود را برای مدیریت زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد.

حضرت آیه الله خامنه‌ای می‌فرماید: «فقه امت‌ساز، محدود به حد و اندازه‌ی احکام عبادی و وظایف فردی نیست.» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۴۰۴/۲/۸)

### ۲. نگرش سیستمی فقیه

فقیه با توجه به نگرش سیستمی و ترکیبی، تمامی مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در چارچوب نظام حکومتی اسلام بررسی می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۹۴، ش: ۲۹)

### ۳. فقه حکومتی

در این دیدگاه، فقه اسلامی در تمامی ابعاد، از جمله قضایی، اقتصادی و اجتماعی، جزء سیستم حکومتی اسلام به شمار می‌آید. (نجفی، ۱۳۶۲، ش، ج ۱۵: ۴۲۲) امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است.» (امام خمینی، ۱۴۰۸، ق، ج ۲: ۲۸۹) این مفهوم نشان‌دهنده این است که فقه شیعه به‌عنوان یک الگوی اجرایی برای پیاده‌سازی اصول اسلامی در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، به‌ویژه در حکومت، طراحی شده است. فقه اسلامی در همه جهات اقتصادی، قضایی، امنیتی، اجتماعی بخشی از سیستم حکومتی اسلام است. (سید باقری، ۱۳۸۸، ش: ۳۲۷-۳۲۴)

- دربخش اقتصاد اسلامی: حق فردی مانند: کسی که زمینی را احیا کند، نسبت به آن حق دارد. (مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَوَاتًا فَهِيَ لَهُ) که از آن قاعده احیای موات استفاده شده است و حق حاکمیت و مالکیت دولتی مانند: انفال، خمس، زکات، جزیه، خراج و فیء.

- دربخش قضایی: نصب قضات، اجراء حدود، حکم حاکم در ارتباط با اسیران جنگی و...

### ۱. حجت محوری

تنها انبیاء الهی و ائمه معصومین دارای صلاحیت رهبری جامعه هستند. در عصر غیبت، این مسئولیت به فقیهان جامع‌الشرایط و نواب عام منتقل می‌شود. فقه سیاسی شیعه با بهره‌گیری از حجت ظاهری (نقل) و حجت باطنی (عقل) (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۱۶۸) کارآیی‌اش مشخص می‌گردد (ایزدهی، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

### ۲. زمان مندی

فقه سیاسی شیعه به طور مستمر در حال تحول است و از طریق اجتهاد، اهداف و غایات دینی را در قالب‌های نوین و روزآمد ارائه می‌دهد تا بتواند به چالش‌های جامعه انسانی پاسخ دهد. آیه الله خامنه‌ای می‌فرماید: «امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۷۶/۳/۱۴) در ادامه ایشان می‌فرماید: «آن فقهی که می‌خواهد یک ملت یا مجموعه‌ی عظیمی از انسانها و ملت‌ها را اداره کند، بایستی بتواند شرایط زمان را بشناسد و پاسخ هر نیازی را در هنگام آن نیاز، به آن بدهد» (همان). این بدان معناست که مسائل فقهی دیروز نمی‌توانند به طور کامل مسائل امروز را پاسخ دهند. فلسفه باز بودن باب اجتهاد در نگرش شیعه نیز به این دلیل است که جامعه همواره به اجتهاد فعال نیاز دارد تا پاسخگوی نیازهای جدید خود باشد (عنایت، ۱۳۷۲ ش: ۲۷۵؛ نوایی، ۱۳۹۹: ۳۶۹). به همین جهت آیه الله خامنه‌ای در پیام «حوزه پیشرو و سرآمد» تأکید می‌فرماید: «حوزه باید به‌روز باشد؛ به طور دائم با زمان پیش برود، بلکه حتی جلوتر از زمان حرکت کند.» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۴۰۴/۲/۸).

### ۳. تفکر جهادی

شیعه بر افتتاح باب اجتهاد تأکید دارد و معتقد است که فقیه نباید در استنباط احکام شریعت و پاسخگویی به

دربخش عبادی: به ویژه آنچه به صورت جمعی برگزار می‌گردد نگرش سیستمی و ترکیبی فقه سیاسی را شاهد هستیم که امیر الحاج یا شخص حاکم اسلامی است یا نماینده منصوب او.

دربخش خانوادگی: حکم به صحت ازدواج غیر رشید، حکم به کنترل موالید.

دربخش سیاسی: حکم بر لزوم حمایت از مشروطیت، تحریم پارچه و لباسهای خارجی، حکم جهاد علیه ایتالیا و روسیه و انگلیس، حکم مبارزه با کشف حجاب، فتوا به ملی شدن صنعت نفت (رحمانی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۹۴-۲۷۷).

### ب) در فقه سیاسی اهل سنت

فقه سیاسی اهل سنت، با محوریت مسئله خلافت و تشکیل حکومت اسلامی، از طریق اصولی مانند شورا، انتخاب اهل حل و عقد، بیعت و غلبه تحقق می‌یابد. در صورتی که نگاه سیستمی و ترکیبی به این موضوع وجود می‌داشت، احتمالاً اختلافات بین امت اسلامی و وقوع جنگ‌ها و قتل‌های مسلمانان کاهش می‌یافت. در واقع، اصل وجود حاکم و خلیفه در فقه سیاسی اهل سنت، بدون توجه به شرایط و ویژگی‌های لازم برای خلافت، مطرح است که این خود می‌تواند باعث بروز مشکلاتی شود. در حالی که اگر با نگاه سیستمی و ترکیبی، به آیات قرآن کریم بنگریم و آیه اطاعت از اولی الامر (۵۹: نساء) را در کنار آیه: «لَا يَتَّالِ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (۱۲۴: بقره) «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد». قرار دهیم به خوبی شرط عصمت را در خلیفه و امام جامعه به دست خواهیم آورد. از دیگر ویژگی‌های لازم در امر خلافت و رهبری جامعه مسلمین، برخورداری از علم لدنی است. اهل سنت با تنزل منزلت خلافت، قائل به این شرط نیستند، چرا که فقدان علم در حوزه‌های مختلف فقهی، در موارد متعددی از ناحیه خلفاء اعلام شده است (بیضاوی، بی تا: ج ۱: ۳۹۸).

دستاوردها در روش‌شناسی شیعه و اهل سنت

الف) در شیعه

مثل وحدت جامعه اسلامی، عدم وجود بصیرت سیاسی خاص جامعه و... همچنان به مبارزه برای اعتلای کلمه توحید و استقرار حکومت الهی ادامه دادند. نمونه بارز این مبارزات، قیام امام حسین علیه السلام و انقلاب اسلامی است که تأثیرات آن همچنان در جامعه اسلامی مشهود است (امام خمینی، ۱۴۰۸ ق: ۵: ۳۸۸).

## ب) در اهل سنت

### ۱. ایجاد انحراف در تاریخ، انحراف در اطاعت،

#### خلافت

اهل سنت با روش‌هایی مانند شورا و بیعت، مسیر ترسیم‌شده توسط پیامبر (ص) را منحرف کردند و رویداد غدیر که کلید ارزش‌های الهی است، به فراموشی سپرده شد. این انحراف منجر به بحران مدیریت در جهان اسلام و بشریت شد. پیامبر (ص) در غدیر خم قصد داشتند این مشکل را برای همیشه حل کنند.

### ۲. حرکت در مدار گذشته

محصور ماندن در دایره افکار سلفیه و تعصب نسبت به اقوال آنان، مانع از پیشرفت و تکامل فقه و اجتهاد می‌شود. سلفیه بر این باورند که باید از صحابه و تابعین پیروی کرد زیرا آن‌ها را معیار حق و باطل می‌دانند. برای اثبات این دیدگاه، به حدیثی استناد می‌کنند که می‌فرماید: «خَيْرُ الْقُرُونِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ...» یعنی بهترین مردم، مردم زمان من هستند و پس از آن، کسانی که بعد از آنان می‌آیند. (بخاری، ۱۴۲۲ ق: ۲۶۵۲، ۳۶۵۱ و ۶۴۲۹؛ سبحانی، ۱۳۹۰: ۷۶۷).

### ۳. منسد بودن باب اجتهاد

در عده‌ای از اهل سنت، اعتقاد به انسداد باب اجتهاد به معنای محدود شدن اجتهاد به فقهای صدر اول و الزامی بودن تقلید از آنان رایج است. این اعتقاد به توقف اجتهاد و عدم پذیرش نوآوری‌های فقهی، موجب رکود و عقب‌افتادگی در فقه می‌شود و با ماهیت جهان‌شمول و پویای اسلام در تضاد است. با این حال، برخی از اهل سنت معتقدند که باب اجتهاد مسدود نیست و اجتهاد

نیازهای زمان، متوقف شود. فقیه با این روحیه، در مقابل مسائل سیاسی و نظام حاکم زمان خود نیز بی‌تفاوت نیست و تلاش می‌کند از اغراض فردی و تأثیرات نظام حاکم دوری کند. این رویکرد باعث می‌شود که فتوای فقیه به میل و خواست نظام سیاسی حاکم مطابق نباشد، بر خلاف برخی فقهای اهل سنت (حیدراسد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۵۶-۲۵۵).

### ۴. ماهیت تکاملی داشتن فقه سیاسی

فقه سیاسی شیعه همواره در حال تحول بوده و این تحول به دلیل تغییر در روش‌های استنباط و نیازهای جدید جامعه است. اجتهاد و روش استنباط از عوامل اصلی تحول فقه هستند که باعث روزآمدی و تطابق احکام با شرایط جدید می‌شوند. فقه شیعه در هر دوره با روش‌های نوین و پیشرفته توسط فقیهان معتبر به رشد خود ادامه داده است. این سیر تکامل را می‌توان در دوره‌های تاریخی فقه سیاسی شیعه به خوبی دریافت (کرکی، ۱۴۱۴ ق: ۴۸-۲۵) پیچیدگی‌های زمانه، رشد فناوری، افزایش جمعیت و ظهور موضوعات نوین روبروست، که لزوم بازنگری و تطابق آن را با نیازهای جدید جامعه ایجاد می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای سیر تکاملی فقه امامیه را حرکت مؤثری می‌داند که نتیجه تلاش‌های هزاران فقیه برجسته طی هزار سال است. ایشان سه وظیفه را برای فقه شیعه بیان می‌کنند: ۱. معرفی دستاوردهای فقه شیعه به مردم و متخصصان. ۲. بهره‌برداری از این دستاوردها در زندگی فردی و اجتماعی. ۳. تکمیل و گسترش فقه برای پاسخ به نیازهای آینده. وظیفه اول و دوم به گذشته و حال تعلق دارند، در حالی که وظیفه سوم به آینده و پیشرفت فقه امامیه مربوط می‌شود (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۷۲/۱۱/۱۴).

### ۵. عدم سازش با مستکبرین و ظالمان

معصومین و فقهای شیعه در برابر سلاطین و ظالمین تسلیم نشدند و با وجود عدم پیروزی ظاهری به دلیل شرایط نامساعد، عدم وجود زمینه قیام، وجود مصالح مهم

نظریات و اصول مشخص این چهار مکتب باشد. انسداد اجتهاد موجب محدودیت و تأثیر بر تطابق فقه با نیازهای جدید است. البته کسانی هم مثل محمد رشید رضا (رضا، ۱۹۷۳م ج ۵: ۲۰۵)، قرضای (قرضای، ۱۹۹۴م: ۱۷ و ۱۴) بر انفتاح مطلق باب اجتهاد تأکید دارند.

#### ۴. فقدان شور و حرکت و حماسه

باید در چهارچوب نظرات مدارس فقهی اربعه صورت گیرد (زرقاء، ۱۴۱۶ق: ۱۰۱-۱۰۲؛ ابن بدران دمشقی، ۱۴۰۱ق: ۱۹۲؛ خطیب، ۱۴۰۵ق: ۱۴۲-۱۴۳؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۵۳۸؛ نصرتی، ۱۳۹۳ش: ۲۳۰؛ کاظمی، ۱۳۸۹: ۲۵). اما این ادعا هم به نوعی انسداد اشاره دارد، زیرا اجتهاد تنها می تواند در حدود

### نتایج تطبیق در روش های فقه سیاسی شیعه و فقه سیاسی اهل سنت

| روش ها    | شیعه   | اهل سنت  | نتیجه  |
|-----------|--|--|--|
| مقیاس نقل | کتاب   | کتاب   | شیعه و اهل سنت هر دو از روش نقلی در اجتهاد بهره می گیرند، اما تفاوت هایی در گستره و نحوه استناد به قرآن و سنت مشاهده می شود.   |
|           | سنت  | سنت  | در اهل سنت، تکیه بر ظواهر و تفاسیر غیر روایی قرآن و اعتماد بر اخبار واحد معمول است. در همه اهل سنت، به ویژه در شافعی، قرآن به عنوان منبع اصلی استنباط فقهی معرفی می شود. سنت راه حلی برای فهم دقیق تر آیات قرآن و درباره استقلال سنت، برخی سنت را وحی و منبعی مستقل از قرآن دانسته و برخی دیگر این استقلال را قائل نیستند. |
| مقیاس عقل | معتزله بر عقل گرایی افراطی و اشاعره به تعطیلی عقل و شیعه راهی میانه و تعادل و تفاهم میان عقل و نقل | قبل از شافعی دو رویکرد افراط در عقل گرایی و تأکید بر «رأی» و افراط در تحقیقات نقلی و تأکید بر «حدیث». روش شافعی در عمل، عقل را تابع نص قرار داد و کارکرد آن را به قیاس شرعی تقلیل داد. | شیعه بر بهره گیری توأمان عقل و نقل تأکید دارد. بر خلاف اهل سنت که در بهره مندی از عقل به قیاس و استحسان و مصالح مرسله روی آورده و نظریه های شخصی را در حکم عقل دخیل می دانند.  |

|  |   |                      |   |                      |                   |
|--|---|----------------------|---|----------------------|-------------------|
| <p>شیعه به اجتهاد مطلق، بر اساس منابع معصوم، برای فقیه اعتقاد دارد این بر خلاف اهل سنت است که در آن، مجتهد تحت تأثیر فهم غیر معصوم و در مدار گذشتگان قرار می‌گیرد.</p> | <p>قائل به جواز اجتهاد به رأی و نظر و سلیقه شخصی</p>                                | <p><b>اجتهاد</b></p> | <p>معتقد به اجتهاد مطلق برای فقیه یعنی فقیه می‌تواند احکام را به‌طور آزاد و مستقل از دیگران و براساس منابع معصوم مانند قرآن و سنت استخراج کند.</p>                  | <p><b>اجتهاد</b></p> | <p>عصر اجتهاد</p> |
|  | <p>در اهل سنت، شریعت سلف به‌عنوان منبع شناخت احکام از اواخر قرن دوم پذیرفته شد.</p> | <p><b>سلف</b></p>    | <p>سلف یعنی کسانی که در زمان معصومین یا نزدیک به آن دوره زندگی کرده‌اند و شامل فقهای اولیه بعد از آن عصر می‌شود. تفاوت در تکیه بر سلف و نحوه استفاده از اجتهاد.</p> | <p><b>سلف</b></p>    |                   |

موجب سردرگمی و ناهماهنگی در فهم تکلیف سیاسی مسلمانان است.

#### ۷. سازش‌گری با مستکبرین و ظالمان

اهل سنت گاهی با استفاده از استحسان و قیاس، شریعت را مطابق میل حاکمان جائز تغییر می‌دادند، حتی اگر خلاف نص کتاب و سنت بود. با این که حاکم جائز در فقه سیاسی اهل سنت مذمت شده، اما بسیاری از فتاوا اطاعت از وی را لازم می‌دانند (میرعلی، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۲۶). البته عده‌ای هم هستند که قائل به عدم وجوب اطاعت سلطان جائز هستند (مودودی، ۱۳۹۸ ق: ۱۶۹-۱۶۸).

#### نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی روش‌شناسی فقه سیاسی شیعه و اهل سنت نشان می‌دهد که دو رویکرد متفاوت نسبت به اصول دینی، مشروعیت سیاسی و ساختار جامعه وجود دارد؛ بر این اساس مولفه‌های زیر استخراج می‌شود:

۵. فقه سیاسی اهل سنت عمدتاً فاقد رویکرد انقلابی و حماسی است و کمتر در آن به تعامل با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته می‌شود. در حالی که لازم است که در برابر انحرافات تاریخی ایستادگی کرده و نه تنها به تبع آن حرکت نکرده، بلکه در جهت مخالف آن تلاش کرده تا آن را اصلاح نماید (سید باقری، ۱۳۸۸ ش: ۱۰۹-۱۰۸). تحقق امت واحده اسلامی تنها از طریق موعظه، نصیحت، روشنگری‌های سیاسی، تجمعات و کنفرانس‌ها محقق نمی‌شود. هرچند برخی مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده به قیام اعتقاد داشتند، اما به دلیل عدم همراهی دیگران، حرکت‌های آنان به نتیجه مطلوب نرسید (نوایی، ۱۳۹۹: ۱۵۷، ۱۴۷).

#### ۶. نابسامانی در فهم تکلیف سیاسی

از روش‌های مورد استفاده اهل سنت بیعت اهل حل و عقد، شورا، مصالح مرسله و ... است. با تتبع در آثار فقهی اهل سنت، به تشتت آراء و اختلاف‌های متعددی در همین روش‌های مورد استفاده خود اهل سنت بر می‌خوریم که موجب نابسامانی در فهم تکلیف سیاسی خواهد شد. گاهی عمل اهل مدینه، گاهی استحسان، گاهی مصالح مرسله (حیدراسد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۷-۲۸۴). ملاک عمل قرار می‌گیرد که این افتراق و اختلاف،

| روش‌ها  | شیعه  | اهل سنت   | نتیجه   |
|---|---|---|---|
| مقیاس امامت و مقیاس خلافت                               | امامت   | اهل سنت رهبری جامعه را در حد خلافت تنزل داده و خلیفه با اجماع اهل حل و عقد، با غلبه به سیف، با معرفی خلیفه پیشین، انتخاب می شود. اطاعت از خلیفه فاسق را واجب و منازعه در خلافت را جایز می شمارند.   | اهل سنت و شیعه در تعریف خلافت و امامت به معنای جانشینی رسول خدا مشترک هستند، اما دایره دیدگاه‌ها و روش‌های تعیین متفاوت است.                      |
| روش بهره‌گیری از فتوا، عمل، اقتداء به صحابه             | از منظر شیعه حجیت فتوا، عمل، اقتداء به صحابه در گروه نقل و اقتدای آنان به معصوم علیه السلام است. صرف مصاحبت با پیامبر برای اثبات عدالت و حجیت کافی نیست | قول و فعل صحابه یکی از پرکاربردترین روش‌های استنباط فقه سیاسی است.  | از منظر شیعه فتوا، عمل و اقتدای به صحابه بدون استناد به قول معصوم حجیت ندارد بر خلاف اهل سنت که نوعی عصمت برای فتوا و قول و عمل صحابه قائل هستند. |
| روش تطبیق عنصر نیاز فردی، اجتماعی، حکومتی و حوادث واقعه | شریعت اسلام پاسخگوی تمامی نیازهای فردی، اجتماعی و حکومتی در تمام زمان‌ها و شرایط است.   | در مواجهه با نیازهای جامعه در دوره‌هایی، از نقل سنت جلوگیری کرده یا هرگونه سنتی را به عنوان سنت پیامبر پذیرفته‌اند و با طرح نظریه فقدان نص، جریان جانشینی پیامبر را منحرف کرده و حتی زور و غلبه را برای پذیرش خلیفه کافی دانسته‌اند. با اجتهاد به رأی و حتی اجتهاد در مقابل نص سیاست خود را پیش برده است. | قابلیت پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی و حکومتی و حوادث واقعه در فقه سیاسی شیعه بر اساس اجتهاد از منابع معتبر و عدم آن در فقه سیاسی اهل سنت    |



|                     |   |   |  |
|---------------------|---|---|--|
| روش سیستمی و ترکیبی | فقیه با توجه به نگرش سیستمی و ترکیبی، تمامی مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در چارچوب نظام حکومتی اسلام بررسی می‌کند. | فقه سیاسی اهل سنت، با محوریت مسئله خلافت و تشکیل حکومت اسلامی، از طریق اصولی مانند شورا، انتخاب اهل حل و عقد، بیعت و غلبه تحقق می‌یابد. | روش سیستمی<br>. ترکیبی در فقه<br>سیاسی شیعه و<br>رویکرد تک بعدی<br>در فقه سیاسی اهل<br>سنت |
|---------------------|---|---|--|

| دستاوردهای تطبیق |  |  |   |
|------------------|--|--|---|
| دستاوردهای سنت   |  | دستاوردهای شیعه                                      |   |
| حجت محوری        | با بهره‌گیری از حجت ظاهری (نقل) و حجت باطنی  | <b>ایجاد انحراف در تاریخ، انحراف در اطاعت، خلافت</b> | با روش‌هایی مانند شورا و بیعت، مسیر ترسیم‌شده توسط پیامبر(ص) را منحرف کردند و رویداد غدیر که کلید ارزش‌های الهی است، به فراموشی سپرده شد. |
| زمان مندی        | به‌طور مستمر در حال تحول است و از طریق اجتهاد، اهداف و غایات دینی را در قالب‌های نوین و روزآمد ارائه می‌دهد تا بتواند به چالش‌های جامعه انسانی پاسخ دهد. | <b>حرکت در مدار گذشته</b>                            | محصور ماندن در دایره افکار سلفیه و تعصب نسبت به اقوال آنان، مانع از پیشرفت و تکامل فقه و اجتهاد می‌شود.                                   |

|  |  |   |   |
|--|--|---|---|
| <p>در بسیاری از اهل سنت، اعتقاد به انسداد باب اجتهاد به معنای محدود شدن اجتهاد به فقهای صدر اول و الزامی بودن تقلید از آنان رایج است.</p>              | <p><b>انسداد باب اجتهاد</b></p>            | <p>شیعه قائل به افتتاح باب اجتهاد و قابلیت فقه برای تعیین تکلیف سیاسی است.</p>  | <p><b>افتتاح باب اجتهاد</b></p>             |
| <p>فقه سیاسی اهل سنت عمدتاً فاقد رویکرد انقلابی و حماسی است و کمتر در آن به تعامل با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته می‌شود.</p>                    | <p><b>فقدان شور، حرکت و حماسه</b></p>      | <p>معتقد است که فقیه نباید در استنباط احکام شریعت و پاسخگویی به نیازهای زمان، متوقف شود. فقیه با این روحیه، در مقابل مسائل سیاسی و نظام حاکم زمان خود نیز بی تفاوت نیست و تلاش می‌کند از اغراض فردی و تأثیرات نظام حاکم دوری کند.</p> | <p><b>تفکر جهادی</b></p>                    |
| <p>با روش‌های بیعت اهل حل و عقد، شورا، مصالح مرسله و ... تشتت آراء و اختلاف‌های متعددی به وجود آمده که موجب نابسامانی در فهم تکلیف سیاسی خواهد شد.</p> | <p><b>نابسامانی در فهم تکلیف سیاسی</b></p> | <p>همواره در حال تحول بوده و این تحول به دلیل تغییر در روش‌های استنباط و نیازهای جدید جامعه است.</p>  | <p><b>ماهیت تکاملی و پاسخگویی</b></p>       |
| <p>گاهی با استفاده از استحسان و قیاس، شریعت را مطابق میل حاکمان جائر تغییر می‌دادند، حتی اگر خلاف نص صریح کتاب و سنت بود.</p>                          | <p><b>سازشگری با مستکبرین و ظالمان</b></p> | <p>معصومین و فقهای شیعه در برابر سلاطین و ظالمین تسلیم نشدند و با وجود عدم پیروزی ظاهری همچنان به مبارزه برای استقرار حکومت الهی ادامه دادند.</p>   | <p><b>عدم سازش با مستکبرین و ظالمان</b></p> |

در نهایت می توان این گونه بیان داشت که، این تفاوت‌ها به‌طور مستقیم بر نحوه تعامل با مسائل سیاسی، اجتماعی و دینی در جوامع مختلف تاثیر می‌گذارد و مسیرهایی که برای ساخت و شکل‌دهی به حکومت‌های اسلامی طی می‌شود، تحت‌تاثیر این تفاوت‌ها قرار دارد.

### پیشنهادات پژوهش

موارد زیر به عنوان موضوعات پژوهشی پیشنهاد می‌گردد:

۱. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر توسعه و بازتعریف روش‌شناسی فقه سیاسی شیعه.
۲. بررسی تاریخچه و علل اختلافات فقه سیاسی شیعه و اهل سنت و تأثیر آن بر نظام‌های سیاسی معاصر.
۳. نقش رهبران مذهبی شیعه و اهل سنت در جهت‌دهی به فقه سیاسی معاصر.
۴. نقش اصل مصلحت در استنباط و کاربردهای سیاسی نزد شیعه و اهل سنت.
۵. تحلیل تطبیقی عدالت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت و تأثیر آن در قانونگذاری.

## فهرست منابع

- نقلگرای در فقه سیاسی شیعه، فصلنامه علوم سیاسی، قم: دانشگاه باقرالعلوم، (۴۱).
- آملی، میرزا هاشم، (۱۳۴۱ق)، الاجتهاد والتقلید، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- بخاری، محمد ابن اسماعیل، (۲۲۴۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دار طوق النجاة.
- بیضاوی. (بی تا)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین، (۴۱۴۱ق)، السنن الكبرى، مکه المكرمة: مكتبة الدارالباز.
- تقی پور، حسین، (۹۸۳۱)، حجیت قول صحابه، فصلنامه علوم حدیث، قم: علوم و معارف حدیث (۶۵).
- جناتی، محمد ابراهیم، (۹۶۳۱)، جایگاه شریعت سلف و عرف در منابع اجتهاد، دوماهنامه کیهان اندیشه، قم: موسسه کیهان، (۳۳).
- جناتی، محمد ابراهیم، (۲۷۳۱ش)، ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران: کیهان.
- جوهری، أبو نصر، (۷۰۴۱ق)، الصحاح تاج اللغة، محقق: عطار، احمد عبدالغفور، بیروت: دار العلم للملایین.
- حراغملی، (۷۶۳۱ش)، وسائل الشیعه، عبدالرحیم شیرازی و محمد رازی، مترجمان، تهران: بی تا.
- حسینی القنوجی البخاری صدیق بن حسن بن علی، (بی تا)، الروضه الندیة فی شرح الدرر البهیة، مصر: المنیریة.
- حلی، الحسن بن یوسف بن علی المطهر، (۶۰۴۱ق)، مبادئ الوصول الی علم الاصول العلامة، عبدالحسین محمد علی البقال، نجف الاشرف: دارالاضواء.
- حیدر، اسد، (۹۳۱ش)، امام صادق و مذاهب اهل سنت، سید محمد حسین حیدر اسد، قم: دانشگاه امام صادق (ع).
- خادمی، نورالدین مختار، (۳۲۴۱ق) تعلیم علم الاصول، ریاض: مکتبه العیبکان.
- خطیب بغدادی، (بی تا)، تاریخ بغداد، بی تا: بی تا.
- خطیب، عبدالکریم، (۵۰۴۱ق)، سد باب الاجتهاد و قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (emahk.israf// :sptth-ri.ien).
- ابن الحاجب المالکی، عثمان، (۱۲۴۱ق)، شرح العضد علی مختصر المنتهی الاصولی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بدران دمشقی، عبدالقادر، (۱۰۴۱ق)، المدخل الی مذهب الامام احمد حنبل، بیروت: موسسه الرساله.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، (۴۰۴۱ق)، الاحکام فی اصول الاحکام، قاهره: دارالحدیث.
- ابن قییم، جوزیه، (۲۲۴۱ق)، اعلام الموقعین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن قتیبه، دینوری، (۳۶۳۱ش)، الإمامة و السیاسة، قم: شریف رضی-زاهدی.
- أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی، (۱۱۴۱ق) أصول السنة، السعودیة: دار المنار.
- أحمد حسین یعقوب، (بی تا)، نظریة عدالة الصحابة والمرجعیه السیاسیه فی الاسلام، لندن: موسسه الفجر.
- استرآبادی، محمد امین (۵۰۴۱ق)، الفوائد المدنیة، قم: دارالنشر لاهل البیت علیهم السلام.
- اعتمادی، مصطفی، (۱۷۳۱ش)، شرح معالم الدین، بی تا: امیر.
- ایزدهی، سید سجاد، (۲۹۳۱ش)، نقد نگرش های حداقلی در فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ایزدهی، سید سجاد، (۴۹۳۱)، ماهیت فقه سیاسی، حقوق اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۴۴).
- آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۵۲۴۱ق) کفایة الاصول، التاسعه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- آصفی، محمد مهدی، (۵۸۳۱ش)، مبانی نظری حکومت اسلامی، مترجم سپهری، محمد، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- آل غفور، سید محسن، (۰۸۳۱)، عقلگرایی و

- ما ترتب علیه، بیروت: موسسه الرساله.
- خمینی، روح الله، (۸۰۴۱ق)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- خمینی، روح الله، (۱۲۴۱ق)، کتاب البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- خمینی، روح الله، (۶۲۴۱ق)، الإجتهد و التقليد، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- خمینی، روح الله، (۴۹۳۱ش) ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی: تقریر بیانات امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- دارقطنی، علی بن عمر (۶۸۳۱ق)، سنن الدارقطنی، بیروت، دارالمعرفه.
- راغب الأصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، (۲۱۴۱ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: الدار الشامیة.
- رحمانی، محمد، (۴۷۳۱ش)، نقش زمان و مکان در اجتهاد، کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- رضا، محمدرشید، (۳۷۹۱م)، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه.
- رضایی، علیشاه، (پاییز ۹۸۳۱) نقش و نقد قیاس در فقه اهل سنت، پژوهش نامه فقهی، قم: جامعه المصطفی، (۱).
- زبیدی المرتضی، (۴۱۴۱ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- زرقاء، مصطفی احمد، (۱۴۱ق)، الفقه الاسلامی و مدارسه، دمشق: دارالعلم.
- ساروخانی، باقر، (۵۷۳۱ش)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی.
- سبحانی، جعفر، (۰۹۳۱)، سلف و سلفی گری (۲)، درسهایی از مکتب اسلام، قم: موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)، (۹۰۶).
- سوادى، محمد علی، (۹۹۳۱ش)، نظریه پردازی و
- روش شناسی در اندیشه سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سید باقری، سید کاظم، (۸۸۳۱ش)، فقه سیاسی شیعه سازوکارهای تحول در دوران معاصر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شاطبی، (۲۲۴۱ق)، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- شریعتمدار جزائری، سید نورالدین، (۸۷۳۱)، امام خمینی و حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- شعرانی، (۵۲۹۱م)، کتاب المیزان، مصر: مطبعه الازهریه.
- صدر، سید محمد باقر، (۵۰۴۱ق)، بحوث فی علم الاصول، مترجم هاشمی، سید محمود، بی جا: المجمع العلمی للشهید الصدر.
- صدر، سید محمد باقر، (۷۱۴۱ق)، القواعد الفقهیه، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- صدر، سید محمد باقر، (۲۸۳۱ش)، اقتصادنا، تحقیق مکتب الإعلام الإسلامی - فرع خراسان، قم: بوستان کتاب.
- صدرا، علیرضا، (۱۸۳۱)، ویژگی های فقه سیاسی اهل سنت، علوم سیاسی، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)، (۸۱).
- صرامی، سیف ...، (۸۷۳۱ش)، جایگاه قرآن در استنباط احکام، قم: بوستان کتاب.
- صلابی، علی محمد محمد، (بی تا)، الشوری فریضه اسلامیة، سوریه: دار ابن کثیر.
- طباطبایی، محمد حسین، (۴۵۳۱ش)، شیعه در اسلام، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی.
- طبری، محمد ابن جریر، (۷۸۳۱ق)، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت: دارالتراث.
- طیب الخضری، السیدالسالم، (۷۹۳۱ق)، حجیته القول الصحابی عند الاصولیین، بی جا: أضواء الشریعه.
- علیخانی، علی اکبر، (۸۸۳۱ش)، روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، همکاران، تهران: دانشگاه امام

- صادق (ع).  
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۹۸۳۱ش) دانشنامه فقه سیاسی، تهران: دانشگاه تهران: موسسه انتشارات و چاپ.  
- عنایت، حمید، (۲۷۳۱ش)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، خرمشاهی، بهاء الدین، تهران: شرکت سهامی انتشار.  
- فخر الدین رازی، محمد بن عمر، (بی تا) التفسیر الكبير، قاهره: المكتبة التوفيقية.  
- فراء الحنبلی أبو یعلی، محمد بن الحسین، (بی تا)، الأحكام السلطانية، الفیقی، محمد حامد، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه.  
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۶۰۴۱ق) کتاب العین، آل عصفور، محسن، محقق: مخزومی، مهدی، سامرائی، ابراهیم، قم: هجرت.  
- فرمانیان، مهدی، (۹۸۳۱ش)، آشنایی با فرق تسنن، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.  
- فیرحی، داوود، (۸۷۳۱)، فقه سیاسی اهل سنت، علوم سیاسی - قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)، (۴).  
- فیومی، احمد بن محمد، (۸۲۴۱ق) المصباح المنیر، محمد، یوسف شیخ، بیروت - لبنان: المكتبة العصرية.  
- فیاض، محمد اسحاق، (۳۱۴۱ق) نگاهی گذرا به مسئله اجتهاد، ترجمه «النظرة الخاطفة فی الاجتهاد»، قم: مؤسسه دارالکتاب.  
- فیض کاشانی، محسن، (۵۱۴۱ق)، تفسیر الصافی، مترجم اعلمی، حسین، تهران: مکتبه الصدر.  
- قرضاوی، یوسف، (۶۹۳۱ش)، اصول فقه سیاسی، مترجم سلیمی، عبدالعزیز، تهران: نشر احسان.  
- قرضاوی، یوسف، (۴۹۹۱م)، الاجتهاد المعاصر بین الانضباط والانفراط، قاهره: دارالتوزیع والنشر الاسلامیه.  
- کاظمی، عباس، (۹۸۳۱ش)، اجتهاد در میان اهل سنت ۱، پژوهشنامه حقوق اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، (۸ و ۹).  
- کاظمی، علی اصغر، (۴۷۳۱ش)، روش و بینش در سیاست، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.  
- کریمی نیا، مرتضی و حکمی شلمزاری، (۵۹۳۱)،
- سیر تحول و تکامل فقه سیاسی در ادوار تطور فقه سیاسی شیعه، فصلنامه حکومت اسلامی، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، (۲۸).  
- کلینی، محمد ابن یعقوب، (۷۰۴۱ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.  
- کرکی، حسین بن شهاب الدین، (۶۹۳۱ق)، الاجتهاد والتقلید (هدایة الأبرار إلى طریق الأئمة الأطهار)، بی‌جا: بی‌نا.  
- گرجی، ابوالقاسم، (۵۷۳۱ش)، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سمت.  
- لک زائی، نجف، (۲۸۳۱)، روش‌شناسی فقه سیاسی شیعه، علوم سیاسی، قم: دانشگاه باقرالعلوم، (۱۲).  
- ماوردی، علی ابن محمد، (۹۰۴۱ق)، الأحكام السلطانية، کویت: مکتبه دار ابن قتیبه.  
- مبلغی، احمد، (۴۹۳۱)، سلف‌گرایی و جریان‌های سلفیه در مصاحبه با استاد احمد مبلغی، سراج منیر، قم: مؤسسه دارالإعلام لمدرسة اهل البيت (علیه السلام) (۸۱).  
- محدر، تقی و سرتختی، (۷۹۳۱)، واکاوی نسبت مشروعیت و بیعت در حکومت علوی، حکومت اسلامی، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، (۹۸).  
- مدرسی طباطبایی، حسین، (۸۶۳۱ش)، مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتاب‌شناسی)، محمد آصف فکرت، مترجم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.  
- مدکور، محمد سلام، (۲۷۹۱م)، مناهج الاجتهاد فی الاسلام، کویت: جامعة الکویت.  
- مطهری، مرتضی، (۸۳۱ش)، ده گفتار، تهران: صدرا.  
- مطهری، مرتضی، (۸۸۳۱ش)، اصل اجتهاد در اسلام، تهران: صدرا.  
- مظفر، محمد رضا، (۶۶۳۱ش)، المنطق، قم، اسماعیلیان.  
- مفید، محمد بن محمد، (۳۱۴۱ق)، اوائل المقالات، زنجانی، فضل الله، انصاری زنجانی، ابراهیم، چزندابی، عباسقلی، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.

- مکارم شیرازی، ناصر، (۷۲۴۱ق)، دائره المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- ملکی، الموفق بن احمد، (۱۰۴۱ق)، مناقب الامام الاعظم ابی حنیفه، بیروت: دارالکتب العربی.
- مناهج جامعه المدینه العالمیه (بی تا)، السیاسه الشرعیه، مدینه: جامعه المدینه العالمیه.
- منکری، نصر بن مزاحم، (۲۸۳۱ق)، وقعه صفین، (الطبعه الثانيه)، قاهره: العربيه الحديثه.
- مودودی، ابوالاعلی، (۸۷۹۱م)، الخلافه و الملك، مترجم، ادريس، احمد، الكويت: دارالقلم.
- میراحمدی، منصور، (۲۸۳۱)، روش شناسی فقه سیاسی اهل سنت، علوم سیاسی، قم: دانشگاه باقرالعلوم، (۱۲).
- میرعلی، محمدعلی، (۱۹۳۱)، نظریه اطاعت از حاکم جائز در فقه سیاسی اهل سنت، حکومت اسلامی، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، (۵۶).
- نجفی، محمد حسن، (۲۶۳۱ش)، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- نجفی، موسی، (۶۹۳۱ش)، اندیشه تحریم و خودباوری (تحلیل متون و اسناد تاریخی اقتصاد مقاومتی در تحولات سیاسی ایران)، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نصرتی، علی اصغر، (۳۹۳۱ش)، تمایزات فقه و فقه سیاسی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نویسی، علی اکبر، (۹۸۳۱)، روش شناسی حرکت های سیاسی امامان (ع)، پژوهش های اجتماعی اسلامی، (۶۸).
- نویسی، علی اکبر، (۹۹۳۱ش)، فقه واجتهاد حکومتی، نویسی، جواد، مشهد: حوزه علمیه خراسان.
- واسطی، عبدالحمید، (۳۸۳۱)، نگرش سیستمی به دین، کتاب نقد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۳۳).
- واسطی، عبدالحمید؛ علی آبادی، محمدحسن (۲۰۴۱ش)، ساختار فقه تمدنی، جستارهای فقهی و اصولی، مشهد: دفتر تبلیغات اسلامی، (۵۲)
- وحدید، بهبهانی، محمدباقر بن

